

وضعیت کارگاه‌های بزرگ صنعتی در سال ۱۳۶۳

* ۸۶ درصد کارگاه‌های بزرگ صنعتی در اختیار بخش خصوصی است
* ۹۶ درصد از کارگاه‌های صنعتی بزرگ صرف خرید مواد خام از خارج می‌شود

می‌دهد. نامبرده تعداد شاغلین این کارگاه‌ها را ۵۹۳ هزار نفر یعنی پنج درصد بیشتر از شاغلین این کارگاه‌ها در سال ۶۲ اعلام کرده که از آن بین تنها ۳۷ هزار نفر زن و مابقی مرد می‌باشند. بدین ترتیب تعداد زنان شاغل ۶/۲ درصد کل شاغلین صنعت است. بنابه آمار ارائه شده اکثر زنان شاغل در بخش صنایع نساجی به کار مشغول می‌باشند.

بقیه در صفحه ۶

دکتر جمشیدی رئیس مرکز آمار ایران طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی نتایج طرح آمارگیری از کارگاه‌های بزرگ صنعتی را در سال ۶۲، اعلام کرد. وی اعلام کرد که تعداد کارگاه‌های بزرگ صنعتی (دارای بیش از ده کارگر) که آمارگیری شده‌اند، ۷۵۰۰ واحد می‌باشند. وی اعلام کرد که این رقم در مقام مقایسه با آمار کارگاه‌های موجود و فعال در سال ۶۲، سه درصد کاهش نشان

اگر

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲ تیر ۱۳۶۵ - پیرایس ۲۲ ژوئن ۱۹۸۶
پیا ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۱۲

۸ تیر، روز شهیدان فدایی گرامی باد!

خود وفادار بمانید، وظایف خود را بشناسید و بدان عمل کنید! با ستایش از دلاوران، فداکاران و وفاداران به آرمان‌های انقلابی، دلاوری، فداکاری و وفاداری ستایش می‌شود و با ستایش از پای‌بندی به اصول تا پای جان، با ستایش از وظیفه‌شناسی و سخت‌کوشی، خصایلی ستوده می‌شوند که یکی از شرایط عمده پیروزی محسوب می‌گردند. لنین، آموزگار کبیر پرولتاریا، در کتاب "بیماری کودکی چپ‌روی در کمونیسم" این سؤال را مطرح می‌سازد که شرط اصلی موفقیت بلشویک‌ها در روسیه چه بود؟ او در درجه نخست می‌گوید: "اکنون دیگر به‌طور یقین تقریباً بر هر کس معلوم است که اگر در حزب ما انضباط بسیار شدید و حقیقتاً آهنینی حکمفرما نبود و

بقیه در صفحه ۶

اگر قهرمانان ستوده می‌شوند، اگر سرآمدگان مبارزه، که از آزمونهای دشوار رژیم انقلابی سربلند بیرون آمده‌اند، تمجید و تجلیل می‌شوند، تنها بدان دلیل نیست که فرد یا افراد معینی در دشوارترین لحظات به وظیفه خود عمل کرده، در برابر مشکلات تسلیم نشده و به اصول خود وفادار مانده‌اند. وقتی قهرمانان ستوده می‌شوند، این نفس قهرمانی است که ستوده می‌گردد. هر عملی با خود پیامی دارد. هر فردی با عمل خود سرمشی را ارایه می‌دهد. دلاوران راه آزادی و رهایی زحمتکشان با ارایه سرمش‌های فداکاری و مقاومت به پیوندگان این راه و به آیندگان پیام می‌دهند که از پا نشینید، با تسلیم و جبن و زبونی بیگانه باشید، در برابر دشمن سرفرو نیاورید، به آینده امیدوار باشید، تا پای جان به اصول



دانش‌آموزان و تعطیلات تابستانی

با پایان یافتن امتحانات، مدارس بسته شده‌اند و تعطیلات تابستانی آغاز. دانش‌آموزان رها شده از فشار و خفقان موجود در مدارس اینک با ساعتی متمادی از روز و فرصت و فراغت مواجه هستند که باید خستگی چندین ماه تلاش تحصیلی و نیز تحمل فشار مستقیم عوامل حکومت در مراکز آموزشی را از تن خود به‌در کنند. فرصتی که می‌بایست با تفریح، فعالیت‌های ورزشی، هنری، فرهنگی و مطالعه و افزایش معلومات خود، روان و تن خویش را شادابی و جلای دوباره بخشند.

اما رژیم چه چشم‌اندازی در تابستان در مقابل دانش‌آموزان می‌نهد؟ نه امکانی برای آموزش، نه تفریح سالم، نه ورزش و نه بقیه در صفحه ۲

آفریقای جنوبی:

اعتصاب عمومی با وجود حکومت نظامی

میان محلات فقیرنشین اطراف شهرهای بزرگ و این شهرها رفت و آمد می‌کنند، صبح روز دوشنبه خالی ماندند. در منطقه ژوهانسبورگ همه خطوطی که عمدتاً مورد استفاده شهروندان سیاه‌پوست قرار می‌گیرد، به ناچار رفت و آمد خود را قطع کردند. بسیاری از مغازه‌ها روز دوشنبه تعطیل بود. با آنکه رژیم پرتوریا در این روز سانسور مطبوعات را تشدید کرده و برای خبرنگاران، ورود به مناطق مسکونی سیاه‌پوستان و هر منطقه "ناآرام" را ممنوع نموده بود، اخبار مربوط به اعتصاب عمومی، به سراسر جهان مخابره شد.

در چند شهرک فقیرنشین اطراف بقیه در صفحه ۲

علی‌رغم اعلام حکومت نظامی توسط رژیم آپارتاید، در روز دوشنبه گذشته که مصادف با شانزدهم ژوئن، دهمین سالگرد قتل‌عام سوئو بود، اعتصاب عمومی سراسر آفریقای جنوبی را فرا گرفت. در سایر کشورهای جهان نیز به نشانه گرامیداشت قربانیان واقعه خونین ۱۶ ژوئن ۱۹۷۶ و ابراز همبستگی با مردم آفریقای جنوبی که هم اینک درگیر پیکاری سخت با نژادپرستانند، تظاهرات و مراسم گسترده‌ای برگزار شد. تنها در ایالات متحده، صدها هزار تن علیه رژیم آپارتاید دست به تظاهرات زدند. در آفریقای جنوبی، دعوت به اعتصاب عمومی با استقبال گسترده‌ای روبرو شد. خطوط راه‌آهن و اتوبوسی که

در این شماره

• در کارخانه‌های کشور

در صفحه ۹

• از جلوه‌های همبستگی با

فدائیان اسیر

در صفحه ۷

• ۱۸ ژوئن پنجاهمین سالگرد

درگذشت ماکسیم گورکی

در صفحه ۸

اگر از شعب اب‌پر آیت بی‌شمار

شعری از سعید سلطانپور

در صفحه ۷

جاودان باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق!

نظرات رفسنجانی پیرامون

جنگ، سیاست خارجی و دسته‌بندی‌های درونی رژیم

رفسنجانی در مورد اینکه حزب الله طبق نظرات حکومت خمینی عمل می‌کند، به معنی پذیرش رسمی تمامی جنایات و مفسده انگیزی‌هایی است که این دارودسته در لبنان مرتکب شده است.

سؤال مورد علاقه خبرنگاران رسانه‌های غربی، دورنمای مناسبات جمهوری اسلامی با کشورهای امپریالیستی بود. رفسنجانی پاسخ خود را با این جملات آغاز کرد که "ما هیچوقت مصمم نبوده‌ایم که با غرب قطع رابطه کنیم. با ادله زیادی ما ترجیح می‌دهیم که روابطمان را داشته باشیم. وی افزود که "ما می‌خواهیم روابط حسنه و دوستانه باشد و تلاش می‌کنیم که روابط بهتری برقرار کنیم" رفسنجانی در همین بخش از سخنانش گفت مناسبات با فرانسه "اخیرا دارد بهبود پیدا می‌کند". وی در زمینه رابطه با آمریکا ضمن طرح برخی کلیات اظهار داشت که مسئولیت قطع رابطه به عهده آمریکاست "آنها پیشقدم شدند و روابطشان را با ما قطع کردند". گزارش منتشره در نشریات رژیم حاکی است که در این مصاحبه پیرامون مناسبات با دیگر کشورهای امپریالیستی سؤالی جدی طرح نشده است، این، بدان خاطر است که در این زمینه هیچ نقطه ابهامی وجود ندارد. فی‌المثل در همان هفته رئیس اتاق بازرگانی ایران و آلمان ضمن ابراز نهایت خرسندی از سطح مبادلات بازرگانی با ایران، حجم صادرات آلمان فدرال را ۴/۲ میلیارد مارک اعلام داشته است. همین وضعیت برای ژاپن، ایتالیا و... نیز وجود دارد.

یکی از سؤالاتی که رفسنجانی می‌بایست بدان پاسخ روشنتری می‌داد، نحوه مناسبات درونی جناحهای حکومتی بوده است. شارلاتان‌پازی رفسنجانی نمی‌توانست کشاکش‌های شدید درونی رژیم را پوشیده نگذارد. او به ناگزیر در پاسخ به پرسش خبرنگاران پذیرفت که "اختلاف نظر در مسائل کشور وجود دارد. خصوصا الان دو جناح نسبتا قوی در کشورما هستند که اینها بر سر نحوه اداره و نقش دولت و بخش خصوصی در امور اختلاف نظر دارند که این دو جریان در مجلس هم هست، در دولت هم هستند، در بین علما و طلبه‌ها هم هستند، بین دانشگاهیان و کل جامعه

هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و سخنگوی شورایعالی دفاع در روز ۲۰ خردادماه با شرکت در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی مواضع رژیم جمهوری اسلامی را پیرامون برخی مسائل جاری بیان داشت. عمده صحیتهای رفسنجانی به تشریح سیاست خارجی حکومت ولایت فقیه اختصاص یافت و در پایان این مصاحبه به سؤالی در زمینه تشکلت موجود در درون حکومت نیز پاسخ گفت.

بیشترین سؤالات خبرنگاران خارجی مربوط به مسئله جنگ بود. پاسخ‌های رفسنجانی طبعاً دارای هیچ نکته تازه‌ای نبود. وی ضمن اینکه می‌کوشید نیات تجاوزکارانه رژیم را پنهان نگذارد، در عین حال هرگونه مذاکره برای پایان دادن به جنگ را رد کرد و گفت که مذاکره تنها در صورتی قابل پذیرش است که "بر این اساس باشد که چه کفیری برای متجاوز باید در نظر بگیریم". سخنان رفسنجانی تکرار مواضع پیشین جمهوری اسلامی بود. این درحالی است که اکنون جناحهایی از حکومت هم نسبت به توان این رژیم برای ادامه جنگ در شرایط دشوار کنونی دچار تردید شده‌اند.

رفسنجانی در این مصاحبه به مسائل پدید آمده در مناسبات با دولت سوریه اشاره کرد و ضمن آن پدیدار شدن زمینه بهبود مناسبات دولتهای عراق و سوریه را تایید کرد و گفت "بلی این یک واقعیت است که می‌بینیم". رئیس مجلس شورای اسلامی در این مصاحبه ابراز امیدواری کرد که روند آغاز شده تا به آخر طی نگردد. مواضع جمهوری اسلامی در این زمینه، چند روز بعد توسط یشارتی قائم مقام وزارت خارجه تکرار گردید. وی نیز در بازگشت از سوریه در پاسخ به سؤالی پیرامون احتمال دیدار طارق عزیز و قاروق الشرع پاسخ داد که "مادر مرحال از این ملاقات احتمالی خشنود نخواهیم شد".

رفسنجانی هم چنین در پیرامون جنگ به سیاست جمهوری اسلامی در لبنان، مناسبات رژیم را با سازمانها و گروههای فلسطینی و لبنانی تشریح کرد. او اعلام داشت که "فلسطینی‌ها... از ما حرف شنوی ندارند... حزب الله در لبنان... از ما حرف شنوی دارد... اما گروه امل چنین پذیرشی ندارد" سخنان

وضعیت کارگاه‌های بزرگ صنعتی در سال ۱۳۶۳

بقیه از صفحه اول

تا چهارم قرار دارند. جمشیدی ضمن بررسی نحوه تملک صنایع سنگین اظهار داشت که ۸۶ درصد کارگاه‌های بزرگ صنعتی در اختیار بخش خصوصی بوده و ۱۴ درصد مابقی تحت مالکیت عمومی می‌باشد. رئیس مرکز آمار ایران اعلام کرد که ۹۶ درصد از ارزش تخصیصی به کارگاه‌های بزرگ صنعتی صرف خرید مواد خام از خارج شده و تنها چهار درصد از این ارزش صرف گسترش تجهیزات تولیدی می‌گردد. وی افزود که ارزش مصرفی صنایع کشور در سال ۶۲، سی و پنج درصد پیش از سال ۶۲ و چهل و شش درصد پیش از سال ۶۱ بود. نامبرده عنوان کرد که ۷۲/۴ درصد مواد خام مورد نیاز صنایع ماشین‌آلات از خارج تأمین می‌شود. درصد وابستگی مواد خام صنایع شیمیایی و صنایع تولید فلزات اساسی به ترتیب ۷۲ و ۶۲/۵ درصد می‌باشد.

به دنبال اعلام حکومت نظامی در آفریقای جنوبی خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه بازداشت‌شدگان و لغو حکومت نظامی گردید. اما هنگامی که در رابطه با حمله آفریقای جنوبی به بندری در آنکولا و غرق شدن یک کشتی کوبایی در جریان این حمله، مسئله مجازات رژیم پرتوریا در شورای امنیت مطرح گردید، قطع‌نامه ارائه شده از سوی جنبش عدم تعهد، توسط آمریکا و انگلیس و توسط فرانسه به این قطع‌نامه رای‌ممتنع داده و بقیه اعضای شورای امنیت با آن موافقت کرده بودند.

خاور پرتوریا و کوئینار، دبیرکل سازمان ملل متحد در پاریس اظهار داشت زمان آن فرا رسیده است خطراتی که منشا آن سیاست آپارتاید است، از میان برداشته شود. وی که در کنفرانس جهانی سازمان ملل برای اعمال مجازات علیه آفریقای جنوبی سخن می‌گفت، خاطرنشان ساخت نمی‌توان بیش از این سیاست آفریقای جنوبی را تحمل کرد.

جمشیدی افزود که صنایع نساجی، پوشاک و چرم با اختصاص ۱۴۵ هزار نفر شاغل از نظر تعداد کارکنان در رتبه نخست و پس از آن صنایع ماشین‌آلات و صنایع کانی با اختصاص به ترتیب ۱۴۱ هزار و ۹۷ هزار نفر شاغل در رده‌های بعدی قرار دارند.

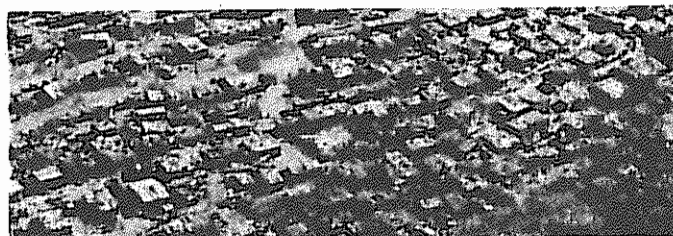
جمشیدی سهم ارزش افزوده کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور را به قیمت جاری در سال ۱۳۶۲ بالغ بر ۱۰۲۰ میلیارد ریال برآورد کرد و اعلام داشت که این مبلغ ۸۵ تا ۹۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت کشور ما می‌باشد. به حیث ارزش افزوده، صنایع ماشین‌آلات، نساجی، کانی غیر فلزی و مواد خوراکی با اختصاص به ترتیب ۲۸۱ میلیارد ریال، ۲۲۰ میلیارد ریال، ۱۲۹/۵ میلیارد ریال و ۱۳۱ میلیارد ریال از ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی، در رتبه‌های اول

آفریقای جنوبی ...

بقیه از صفحه اول

کیپ‌تاون و دوربان، پیش از ظهر دوشنبه درگیری‌های شدیدی میان ساکنین و پلیس رژیم نژادپرست روی داد. یکشنبه شب پلیس در "اتلون" واقع در نزدیکی کیپ‌تاون به مسجدی که در آن مراسمی به یاد بود قربانیان قتل عام سووتو برپا بود، حمله کرد که در نتیجه، شمار بسیاری از حاضرین مجروح شدند.

رژیم برای سرکوب هرگونه تظاهرات، همه تدارکات لازم را فراهم دیده بود. محلات مسکونی سیاه‌پوستان محاصره شده و همه خیابان‌ها و جاده‌های اصلی مسدود بود. از هنگام اعلام حکومت نظامی تا روزیکشنبه، طبق اظهارات لوئیس نل، معاون وزیر اطلاعات رژیم ۲۲ نفر کشته شدند. از جمله فیلمبردار یک شبکه تلویزیونی انگلیسی که به ضرب باتوم مزدوران آپارتاید مجروح شده بود، در بیمارستانی در کیپ‌تاون درگذشت. شورای امنیت سازمان ملل متحد



این پیغره مادر کراس رودز، صحنه درگیری‌های خونین میان مردم و پلیس نژادپرست است

بقیه از صفحه اول

فعالیت های هنری و فرهنگی. حکومت خیمینی ضد تفریح و شادمانی است. از شکل و تجمع ورزشی می هراسد. فعالیت های هنری، فرهنگی را برای خود مرکب می یابد و امکانات و منابع را در خدمت جنگ قرار داده است.

راهیان قتلگاه

برای حکومت، تابستان فرصتی است که دانش آموزان را هر چه گسترده تر به قتلگاه راهی سازد. قبل از تعطیلی مدارس مسئولین بسیج دانش آموزی تلاش داشتند با ارایه امکانات تحصیلی، کلاس های فوق العاده، برگزاری امتحانات خارج از موعد مقرر و با ارفاق ها و امتیازات متعدد دانش آموزان را به چپه های جنگ بکشانند و فریب خوردگان را در چپه نگه دارند. در این زمینه اینک دست بازتری دارند و با وقاحت و گستاخی بیشتری می توانند نوجوانان دانش آموز را به کشتن دهند. با آغاز تابستان، تعطیلی مدارس خود بهانه ای است برای ربودن دانش آموزان و اعزام آن ها به چپه جنگ. گزاری دریافت داشتیم که در یک مدرسه روستایی، تمامی دانش آموزان را برای اعزام به چپه سوار کامیون کردند که تنها با اعتراض جمعی روستاییان و معلم مدرسه، دانش آموزان را راه کردند. معلم این مدرسه روستایی به پاسداران گفته بود: "دانش آموزان راهیان مدرسه هستند نه جای دیگر"

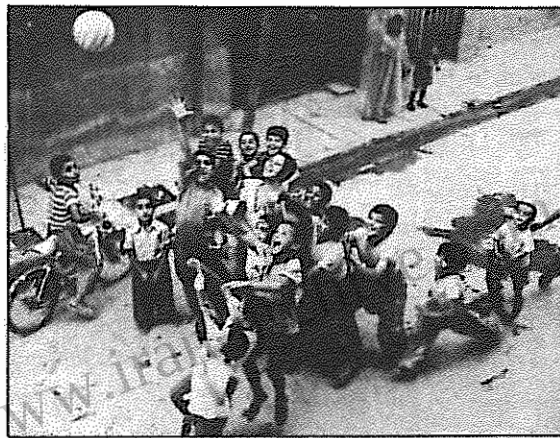
این دو طرز تفکر وجود دارد. این تفکرها در تشکیل دولت و تعیین وزیر و در مسئولیت ها همیشه برخورد می کنند. شاید در حقیقت دو حزب بی نام باشند یعنی اگر این دو جریان در غرب بود تبدیل به دو حزب می شدند. ولی در اینجا دو حزب مجزا نشده اند. حتی در داخل حزب جمهوری اسلامی هم این دو طرز تفکر وجود دارد و دو جناح هستند. "روز قبل از مصاحبه رفسنجانی، خمینی نیز طی سخنان مبسوطی به این مسئله پرداخت و کوشید روند اوچگیری آن را مهار کند. پس از آن نیز در روز ۲۵ خرداد ولیعهد خمینی، منتظری سخنان مشابهی ایراد کرد. او نیز سعی داشت درگیری های درونی رژیم جمهوری اسلامی را تعدیل نماید."

روزنامه های رژیم از برقراری اردوگاه های تابستانی برای دانش آموزان خبر دادند. در این زمینه در اطلاعات ۲۰ خرداد آمده است: "از اول تیرماه امسال ۲۸ هزار دانش آموز ریهار اردوهای تابستانی می شوند... پیرامون پذیرش دانش آموزان در اردوگاه های رامسر، باغ رود نیشابور، چابکسر و شهید باهنر بحث و بررسی به عمل آمد... اردوگاه باغ رود نیشابور مخصوص دانش آموزان دبیرستانی از ۵ هزار دانش آموز پذیرایی می نماید این

بیکاری و سرگردانی

در تابستان فرزندان دانش آموز کارگران و زحمتکش شهری و روستایی ناچار هستند کاری موقت بیابند تا یاور و کمک نان آور خانواده باشند. به ویژه گرانی و حشمتناک و افزایش سرسام آور مایحتاج روزانه ضرورت این امر را افزایش داده است. اما بیکاری گسترده ودم افزون و تعمیق بحران اقتصادی رژیم، کمتر امکانی را در این زمینه باقی می گذارد. این دانش

دانش آموزان و تعطیلات تابستانی



آموزان نیز در طول تابستان عملاً به خیل میلیونی بیکاران کشور می پیوندند. بر انبوه بی شمار دانش آموزانی که به طور دایم به خیل بی کاران کشور می پیوندند جداگانه باید تاکید داشت. به جز دانش آموزانی که به دلایل مختلف به ویژه فقر، در مراحل مختلف تحصیل مجبور به ترک تحصیل می شوند. چند صد هزار نفر نیز سالیانه با اتمام دوره دبیرستان، بیکار و سرگردان می گردند. در آزمون ورودی دانشگاه ها و مدارس عالی کشور که در هفته اول تیر ماه برگزار خواهد شد قریب ۵۸۰ هزار نفر نام نویسی کرده اند. از این تعداد تنها ۴۴۸۵۰ نفر در رشته های گوناگون پذیرفته خواهند شد.

ستیز با فعالیت های فرهنگی،

هنری و ورزشی

ستیز حکومت با شادمانی و سرزندگی، ضدیت با فعالیت های هنری و فرهنگی و شکل ستیزی راه را بر

استفاده دانش آموزان از اوقات فراغت تابستانشان در این عرصه های حیاتی زندگی تنگ کرده است.

در این زمینه رژیم به تابستان، از زاویه گرمی هوا به مثابه منبعی فساد انگیز که ممکن است گوشه ای از موی یا دست جوانی را آتکار سازد می نگرد. تمام تلاش به کار برده می شود که از هر گونه تجلی شادمانی و نشاط جلوگیری شود. گردشگاه ها و تفریحگاه ها تحت کنترل قرار می گیرند. فعالیت های ورزشی به مثابه محوری برای شکل جوانان و دانش آموزان و نیز محل تجمی که ممکن است به کانون مایه برای مبارزه با حکومت تبدیل شوند با کینه و سرکوب مواجه می گردند.

در طول تابستان امکانات محدود موجود نیز از دانش آموزان دریغ می شود و در صورت دایر بودن، توصیه نامه و معرفی نامه از این ارگان و آن آخوند طلبیده می شود. دانش آموزان حتی حق استفاده از امکانات ناچیز مدارس خود را نیز ندارند.

در این میان در پیش روی دختران دانش آموز چشم اندازی به مراتب تیره تر نهاده شده است. منجاری ارتجاعی رژیم خیمینی در طول تابستان آن ها را پیش از پیش به کنج خانه ها می راند.

و به این ترتیب تابستان از راه می رسد و حکومت خیمینی جز مرگ، بطالت، گذران بیبوده و رنج آور زندگی، فساد و اعتیاد چشم اندازی در مقابل دانش آموزان میهن مان نمی نهد. اما این یک روی سکه است روی دیگر سکه آغاز تعطیلات تابستانی، هم چنان که در نشریه پیشگام ارگان سازمان جوانان فدایی آمده این است که

دانش آموزان "در این دوره در روابطی آزاد تر - فارغ از مشغولیت درسی و آزاد از چماق اخراج و فشارهای انجمن اسلامی و دیگر ارگان های جاسوسی رژیم - با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و به مسایل پیرامون خویش می نگرند. این امکان را می یابند که با فرصت بیشتری در فعالیت های اجتماعی محل و حرکات توده ای مردم شرکت جویند. تشییع جنازه انبوه کشته شدگان در جنگ ویران گر، حمله گاه ها، جوانان فراری از سربازی، جوانان عاسی از بی کاری و منظره های دیگر از فجایع جمهوری اسلامی را با چشمی بازتر می نگرند و موضوع گفتگوهایشان در پاتوق هایی می شود که گرد هم می آیند"

رقابت برای فروش نفت ارزان

بنا به گزارش نشریه انگلیسی پترولیوم انتلیجنت حجم نفت صادراتی اوپک، با نادیده گرفته شدن سهمیه مقرر شده اوپک از سوی برخی از کشورهای عضو، تا ۱۹ میلیون بشکه در روز افزایش یافته است. صدور بی رویه نفت توسط این کشورها که بخاطر غلبه بر مشکلات ارزی ناشی از تنزل بهای نفت صورت می گیرد، بنوبه خود باعث کاهش بیشتر بهای این فرآورده در بازارهای جهانی خواهد گردید.

در گزارش نشریه نامبرده، جمهوری اسلامی، عربستان سعودی، عراق و کویت از جمله کشورهایی برده اند که با تخطی از تعهدات خود بیش از سهمیه مقرر نفت صادر کرده اند. در گزارش گفته شده است که صادرات نفت جمهوری اسلامی به ۲/۴ بشکه در روز افزایش یافته است. لازم به تذکر است که میزان سهمیه نفت صادراتی جمهوری اسلامی ۱/۸ میلیون بشکه می باشد. باید افزود که قیمت نفت خام در بازارهای آزاد مجدداً کاهش یافته است. قیمت هر بشکه نفت خام دویی برای تحویل در ماه ژوئن به ۱۰ دلار و ۱۵ سنت کاهش یافته است.

تاثیر کاهش بهای نفت در مبادلات بازرگانی با ترکیه

رادیوی جمهوری اسلامی در روز ۲۰ خرداد گزارش کرد که هیات ۵۵ نفره اقتصادی جمهوری اسلامی که به سرپرستی بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین به ترکیه اعزام شده بود، به تهران بازگشته است. در این هیات عده ای از تجار بازار تهران نیز حضور داشتند.

مسئله اصلی مورد بحث طرفین چگونگی مقابله با تاثیر کاهش بهای نفت در حجم مبادلات بازرگانی دو کشور بود. وظیفه نبوی این بود که به مقامات ترک توضیح دهد که جمهوری اسلامی در شرایط کنونی چگونه می تواند بهای کالاهای وارداتی از ترکیه را بپردازد.

مهندس بهزاد نبوی در بازگشت از سفر ترکیه طی گفتگویی رادیویی اعلام کرد که جمهوری اسلامی متعهد شده است برای جبران کاهش بهای نفت تحویلی به ترکیه، در سال جاری ۵۰۰ میلیون دلار کالا به این کشور صادر نماید. با وجود این صادرات ترکیه به ایران کاهش خواهد یافت و از ۳ میلیارد دلار در سال گذشته به ۲/۲ میلیارد دلار در سال جاری خواهد رسید.

رادیوی دولتی رژیم همچنین اطلاع داد که مقامات رژیم مذاکراتی با مقامات ترک پیرامون احداث خط لوله گاز و نفت از خاک ترکیه به اروپا داشته اند.

نبوی در این باره اعلام کرد که مراحل اولیه مذاکره به اتمام رسیده است و ماه آینده هیاتی از سوی دولت ترکیه به منظور پیشبرد مذاکرات و حل مسائل مربوط به خط لوله نفت و گاز به تهران سفر خواهد کرد.

خارک همچنان بهاران می شود

هفته گذشته اعلام کرد که نیروی هوایی آن کشور، ۴ بار به تاسیسات نفتی خارک حمله کرده است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی اعلام کرد که ظرف روزهای اخیر، سه فروند هواپیمای جنگی رژیم عراق را در مناطق اهواز، بندر کناوه و فاو سرنگون کرده است. رژیم عراق سرنگونی یکی از این هواپیماها را تایید کرده است. جمهوری اسلامی در ضمن مدعی است که مواضع عراق را در منطقه حاج عمران مورد حمله هوایی قرار داده است.

تدارک برای اعزام نهم میلیون دانش آموز به جبهه

کشور به جبهه ها اعزام شده بودند. نامبرده در زمینه اخذ شهریه از والدین دانش آموزان، تصریح کرد که بنا به تصمیم انجمن مربیان، وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۶۶ - ۶۵، بخشی از هزینه های خود را از والدین دانش آموزان تامین خواهد کرد. بر اساس سخنان اکرمی از والدین دانش آموزان بین ۵۰۰ الی ۵۰۰۰ ریال شهریه اخذ خواهد شد. وزارت آموزش و پرورش که پیش از این می کشید دریافت شهریه را تحت عنوان قبوض کمک به وزارتخانه، اختیاری معرفی نماید، اینک رسماً پرداخت شهریه را برای والدین دانش آموزان اجباری اعلام کرده است.

هفته گذشته نیروی دریایی جمهوری اسلامی دست به انجام یک مانور دریایی زد. این دومین مانور نیروی دریایی جمهوری اسلامی محسوب می گردد. فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی در سخنانی به این مناسبت از جمله اظهار داشت که نیروی دریایی جمهوری اسلامی تاکنون ۲۰۰۰ کشتی را مورد بازرسی قرار داده است. مانور دریایی جمهوری اسلامی در آبهای خلیج فارس و تنگه هرمز در شرایطی صورت می گیرد که سر فرماندهی ارتش عراق

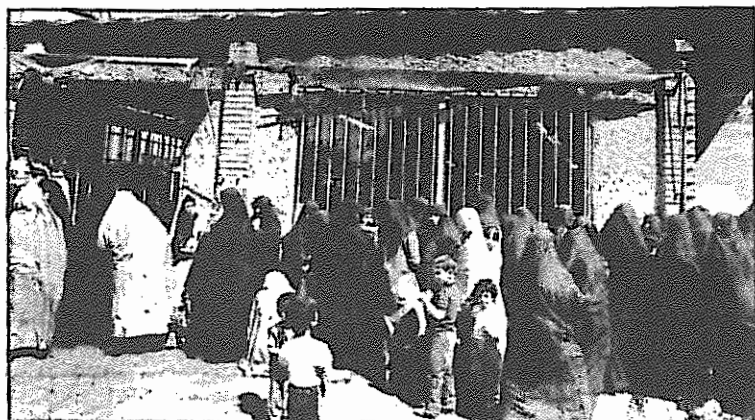
اطلاعات یکشنبه ۱۸ خرداد - اکرمی وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اعلام کرد که "در صورت نیاز جبهه ها ۵۰۰ هزار دانش آموز آمادگی عزیمت به جبهه ها را دارند." پیش از این عنوان می شد که آموزش نظامی دانش آموزان به معنای اعزام نوجوانان به جبهه ها نیست. اکرمی اظهار داشت که "در سال آینده تحصیلی کلیه دانش آموزان دبیرستانها زیر پوشش آموزش نظامی قرار خواهند گرفت."

وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی در ضمن اعلام کرد که در سال گذشته ۲۰ هزار تن از معلمان

تشدید اختلاف سپاه و ارتش

عده ای از سرکردگان حکومتی به حمایت از سپاه و برخی نیز به حمایت از ارتش برخاسته اند. سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی برای کاستن از ناراضیاتی ارتشی ها، خواستار شد که اینگونه تبلیغات سپاه متوقف گردد. او گفت که اگر "اینجا و آنجا تفرقه بیاندازند و بگویند جاهایی را که سپاه آزاد کرده، ارتش از دست داده است توطئه ای است کاری که اگر جلوی آن را نگیریم ضربه می خوریم" (اطلاعات - ۲۴ خرداد) باید افزود که در گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور نیز به وجود تفرقه در صفوف نیروهای مسلح اشاره شده بود. از سوی دیگر احمد کاشانی نماینده مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مجلس از ارتش دفاع نموده و گفت: "به کسانی که آگاهانه ارتش را تضعیف می کنند، هشدار می دهم که این خیانتی است."

بنا به گزارش واصله و اظهارات مقامات رسمی، اختلافات میان سپاه و ارتش یحیی سبایی به افزایش یافته است. اقداماتی که اخیراً در جهت ادغام ارتش در سپاه صورت گرفته و بر ملا شدن و طرحهایی که در این زمینه تهیه شده است، منجر به بروز ناراضیاتی شدیدی در میان پرسنل ارتش گردیده است. این امر بریستر ناراضیاتی عمومی نفرات ارتش از جنگ و رژیم، باعث بروز اعتراضات بسیاری شده است. امتناع واحدهای ارتشی در پیشبرد طرحهای عملیاتی خشم مسئولین سپاه را برانگیخته است. فرماندهان سپاه طرح می کنند که ارتش در مقابل حملات نیروهای عراقی ایستادگی نشان نمی دهد و مواضع متصرفی را بدون مقاومت تسلیم می کند. وضعیت تازه در مناسبات ارتش و سپاه، به مستمک دیگری در کشاکش های درونی رژیم بدل شده است.



گرائی
کمپایی

صف

به انتظار دریافت کالایی هستند. نیاز تامین مایحتاج زندگی و ادارشان کرده است تا با بچه های خود، ساعت ها انتظار را به جان بخرند.

انتخابات ریاست مجلس شورای اسلامی

هفته گذشته انتخابات هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی بعمل آمد. طبق انتخابات صورت گرفته و آمار اعلام شده، هاشمی رفسنجانی با ۱۷۹ رأی موافق و ۴۵ رأی مخالف و متمم مجد ادیست ریاست مجلس را احراز نمود. حجت الاسلام کروی با ۱۳۹ رأی موافق و یزدی با ۱۲۲ رأی موافق به ترتیب بعنوان نایب اول و دوم رفسنجانی انتخاب شدند. باید افزود که در انتخابات پیشین یزدی نایب رئیس اول مجلس بود که طی این انتخابات جای خود را به کروی داد.

خامنه ای

"اٹمه جمعه خطبای ننگند"

دومین گردهمایی اٹمه جمعه سراسر کشور که با حضور منتظری جانشین خمینی، خامنه ای رئیس جمهور و موسوی نخست وزیر و جمعی از مسئولان رژیم در قم تشکیل شده بود روز چهارشنبه ۲۸ خرداد با صدور قطعنامه ای بکار خود پایان داد. در پایان این گردهمایی، اٹمه جمعه در محبت مشکینی رئیس خبرگان و خامنه ای رئیس جمهور و جمعی از اعضای سپاه با خمینی دیدار کردند.

گردهمایی اخیر اٹمه جمعه در شرایطی صورت می گیرد، که اختلافات میان آنها از هر زمان دیگر بیشتر شده است. بهمین خاطر در قطعنامه منتشره در پایان گردهمایی اٹمه جمعه خواسته شده است که اٹمه جمعه هماهنگی و وحدت خود را حفظ نمایند. پیش از آن خامنه ای در همین گردهمایی تصریح کرده بود که امامان جمعه از خط بازی و جریانات سیاسی بدور بمانند.

بی اعتباری

دفترچه های بیمه خدمات درمانی

کیهان ۲۵ خرداد بیعت عدم پرداخت حق بیمه آزمایشگاهها و رادیولوژیها از سوی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، آزمایشگاهها و رادیولوژیها نیز همکاری خود را با بیمه قطع کرده و از پذیرش بیماران با دفترچه های بیمه خدمات درمانی اجتناب ورزیدند. براساس گزارش کیهان، "بدین ترتیب دفترچه های بیمه خدمات درمانی، آخرین کاربرد خود را هم از دست دادند." مسئولان آزمایشگاهها و رادیولوژیها اعلام کردند که "اکنون ۶ ماه تمام است که وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، حق بیمه ما را پرداخت نکرده است." این در حالی است که رژیم همه ماهه حق بیمه را از حقوق کارگران و کارمندان کسر می کند.

قیمت نوشابه هم افزایش یافت

با آغاز شدن فصل گرما و به موازات گرانی و تورم سراسر آور حاکم بر کشور روزنامه های دولتی اعلام کردند که قیمت نوشابه نیز افزایش یافته است. بر اساس اطلاعیه منتشر شده در روزنامه کیهان مورخ ۲۱ خرداد قیمت هر شیشه نوشابه گرم به ۲۵ ریال و هر شیشه نوشابه سرد به ۳۰ ریال افزایش یافته است.

آتش سوزی حوضچه های نفتی جنوب تهران کارت و لت بود

همانگونه که پیش از این گزارش کرده بودیم، در روز چهارم اردیبهشت ماه، آتش سوزی وسیعی در حوضچه های نفتی جنوب تهران اتفاق افتاد که باعث آلودگی شدید هوای تهران و حومه گردید. بارش باران سیاه که نمود شدت آلودگی شدید هوا بود مسئولین را وادار ساخت به نقش دولت در این اقدام اعتراف نمایند. در روز ۲۲ خرداد بالاخره رئیس سازمان بازرسی کل رژیم جمهوری، اسلامی، حجت الاسلام محقق داماد در یک گفتگو با روزنامه اطلاعات اعلام داشت که از سال ۵۹ زائده های نفتی با حجم بسیار زیاد در این حوضچه ذخیره می شد و آتش سوزی اوایل اردیبهشت ماه سال جاری تعدی بوده است. وی گفت، "به نظر بازرسان این سازمان واحدهای اکتشاف بازرگانی داخلی و حراست کلی وزارت نفت، متخلف شناخته شده اند."

تهران دومین شهر آلوده جهان است

دکتر منافی سرپرست محیط زیست جمهوری اسلامی در سخنرانی قبل از خطبه های نماز جمعه ۳۰ خرداد اعلام کرد که "تهران دومین شهر آلوده جهان است." وی ضمن تشریح ابعاد فاجعه بار افزایش آلودگی در محیط زیست کشورمان، در خصوص آلودگی محیط زیست شهر تهران گفت، "چنانچه آلودگی تهران به وضع فعلی رشد باید، زندگی در این منطقه غیر ممکن خواهد شد." نامبرده در سخنان خود افزود که آلودگی تنها محدود به تهران نمی شود. وی اعتراف کرد که در اثر افزایش حجم فضولات در آب های رودخانه زاینده رود، این رودخانه غیر قابل استفاده بوده و "مرده" محسوب می گردد.

پرسر جنگلها، مراعات و منابع کشور چه آورده اند؟

در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی روز اول خرداد ماه که گزارش آن در کیهان همان روز انتشار یافته است، یکی از نمایندگان پرده از وضعیت مراعات، جنگلها، نیروگاههای برق و سدهای کشور برگرفت. وی اعلام کرد که سطح جنگلهای شمال کشور که بالغ بر ۳/۴ میلیون هکتار بوده در اثر تخریب و تبدیل و قطع بی رویه امروز به ۱/۸ میلیون هکتار کاهش یافته که ۵۰۰ هزار هکتار آن نیز منخروبه است. بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی این نماینده مجلس، سطح جنگلهای غرب نیز از ۱۲ میلیون هکتار به حدود ۶ میلیون هکتار تنزل یافته است. وی همچنین اعلام کرد که بسیاری از مراعات سرسبز مناطق غربی و شمالی و شرقی کشور تخریب شده اند، اراضی زیر سدها فرسود گردیده و نیروگاههای برق کشور در معرض وقفه قرار گرفته اند.

نماینده مزبور اطلاع داد که عمر سدهای کشور به ثلث کاهش یافته و بعنوان نمونه اظهار داشت که عمر سد سفیدرود که ۱۰۰ سال پیش یعنی می شد، اکنون تنها ۳۰ سال برآورد می شود.

انعکاس اقامت رجوی در بغداد در رسانه های جمهوری اسلامی

رسانه های خبری جمهوری اسلامی که از اخراج رهبران سازمان مجاهدین از پاریس بمقابله یک پیروزی برای جمهوری اسلامی استقبال کرده اند، اقامت آنان را در بغداد وسیعاً بازتاب داده اند. آنها ضمن انتشار خبر دیدارهای رجوی در بغداد کشیده اند مواضع کل نیروهای مرقی ایرانی را در زمینه صلح و آروغ جلوه دهند. از جمله مطالبی که این رسانه ها وسیعاً آنها منعکس ساخته اند، ملاقات سدام حسین با مسعود رجوی بود. رهبری سازمان مجاهدین طی اطلاعیه ای این ملاقات را "دیدار صلح در بغداد" نامیده است. این سازمان هم چنین مسافرت آقای رجوی را به بغداد، "پرواز تاریکساز" و "پرواز صلح و آزادی" عنوان داده است. مجاهدین در اطلاعیه ها می که بدین مناسبت منتشر کرده اند، ضمن اذعان به این امر که ادامه اقامت رهبران سازمان مجاهدین در پاریس نامیسر شده بود، اقامت در بغداد را یک "پیروزی" خوانده و از آن بعنوان "اقامت در جوار خاک میهن" نام برده اند.

مقامات و رسانه های عراقی از حضور رجوی در بغداد استقبال کرده اند. طایق عزیز معاون رئیس جمهور عراق در مسافرت اخیرش به پاریس، علل خرسندی دولت عراق را از اقامت مسعود رجوی در بغداد تشریح کرده است. وی در مصاحبه ای که در روزنامه فرانسوی لوموند - ۱۲ ژوئن - منتشر گردیده است، اظهار داشت،

"ما از این رویتسیم گرفتیم به مجاهدین بنامندگی بهمیم که ایرانی مادر تهران از یک دولت عراقی در مهاجرت که آماده است شادرت را در عراق به دست بگیرد، نگهداری می کنند در نتیجه عمل ما یک اقدام سیاسی متقابل است. ملاقات کارها در حالت می کنند و می خواهند اراده خود را بر ما تحمیل کنند. از این به بعد آنان باید بفهمند که ما نیز قادریم مشابه آنها عمل کنیم و آنها دیگر چه در زمینه سیاسی چه در زمینه نظامی ابتکار عمل را درست نخواهند داشت."

علاوه بر این به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در روز شنبه ۲۴ خرداد نیروی هوایی جمهوری اسلامی که مواضع نیروهای عراقی را در منطقه سلیمانیه بمباران کرد، مقر سازمان مجاهدین خلق را نیز که در این منطقه واقع است، مورد حمله قرار داد. جمهوری اسلامی مدعی شد که در این عملیات ۲۰۰ تن از افراد مستقر در مقر مجاهدین را به قتل رسانده است. منابع خبری سازمان مجاهدین خلق ضمن تأیید خبر بمباران مقر این سازمان در روستای کهریزه عراق، اعلام داشتند که برخلاف ادعای رژیم خمینی، تعد ادتلفات فقط یک تن و تعداد مجروحین ده نفر بوده است.



فدائی خلق رفیق حمید اشرف

که نام حمید اشرف حتی در زمان حیاتش یاری حماسی پیدا کرد. نام او نیز به مبارزین نیرو می داد.

حمید اشرف به مانعان داد که با مقاومت، ایثار، پیگیری، هشیاری و شجاعت انقلابی می توان بر همه مشکلات فائق آمد. رفیق حمید اشرف به ما نشان داد که در اوج ضربات پلیسی دشمن، در سخت ترین شرایط باز نظر پیشبرد وظایف انقلابی باز می توان با چشم دوختن بر آینده، با اتکا بر آرمانهای انقلابی و با آزاد کردن تمام انرژی درونی مبارزین، نبرد دراپیش برد و در برابر آن افقهای تازه ای گشود.

زندگی و رزم رفیق حمید اشرف نشان می دهد که در برابر اراده انقلابی، همه سدها شکسته می شوند. او با پیشبرد مبارزه در سخت ترین شرایط به ما آموخت که هر یک از ما، اگر بخواهیم به وظیفه خود آنگونه که شایسته یک کمونیست است، عمل کنیم، بسیار بیشتر از آنکه در برخورد نخست انگاشته می شود، نیرو داریم. انقلابی کسی است که می تواند در هر شرایطی وظیفه خود را بشناسد و بدان عمل کند. برای یک کمونیست وظیفه یک مقوله حقوقی نیست که با انجام وظایف متعارف در وضعیتی معین، پایان یافته تلقی شود. یک کمونیست باید برای انجام وظایف در شرایط گوناگون آماده شده باشد. برای تعمیق بردن وظایف، برای آزاد ساختن تمامی کارمایه درونی به منظور انجام آنچه که امر انقلاب ایجاب می کند، هیچ محدوده ای وجود ندارد. رفیق حمید اشرف با پیگیری، پایداری و بنیانهای خود به ما چنین آموخته است. به این درس عمل کنیم و هر چقدر که بر آن خون شهیدان ۸ تیر دیده است، بر فراز قله های فتح فردا بنشانیم.

۸ تیر، روز شهیدان فدایی گرامی باد!

بقیه از صفحه اول

اکثر فاطمه طبقه کارگر یعنی تمام عناصر متفکر و شرافتمند و جانفشان و پانفوذ این طبقه ... از حزب ما پشتیبانی کامل و بیدریغ نمی نمودند، بلشویک ها نه این که دوسال ونیم بلکه دوماه ونیم هم بر سر حکومت دوام نمی آوردند. "لنین بعد از طرح این موضوع می گوید: "قبل از هر چیز این انضباط حزب انقلابی پرولتاریا را بر پا نگاه می دارد؟ یا چه چیزی این انضباط واری می شود؟ و به چه وسیله ای تقویت می گردد؟" او خود به این سؤال چنین پاسخ می دهد: در درجه نخست "به وسیله آگاهی پیشاهنگ پرولتری و وفاداری وی نسبت به انقلاب، پایداری وی، جانفشانی وی و قهرمانی وی." (منتخب آثار لنین جلدی - ص ۷۲۶)

سنت های دلاوری در سازمان ما

آری، هر جریانی که بخواهد به تسخیر آینده پشتاید، باید حامل برترین سنت های فداکاری و دلاوری باشد. سازمان ما از روز نخست به این امر توجه ویژه ای میدول داشت. سازمان ما پرورنده سنت هایی شد که در تاریخ رزم انقلابی در ایران بی نظیرند. سازمان ما حتی نام خود را آنگونه برگزید که با خود این پیام را داشته باشد که ما برآمده ایم تا برترین سنت های فداکاری و دلاوری را پی ریزیم. بنیانگذاران سازمان ما بی ریزندگان این سنت های انقلابی در سازمان ما هستند. آنان چنان سرمشق هایی از فداکاری و شجاعت ارائه کردند که توانستند نام فدایی را مترادف با برترین خصایل انقلابی سازند. اعتبار و حیثیت سازمان مادر درجه نخست به همین سنت هایی بر می گردد که فدائیان بنیانگذار در سازمان ما بنیان گذارند. سرمشق هایی که در جهت تثبیت این خصایل انقلابی ارائه شده، به لحاظ کمیت و کیفیت آنگونه بودند که پربارترین و شورانگیزترین فصل کتاب مقاومت و مبارزه را در ایران به خود اختصاص دادند. یکی از نامهای ارجمندی که بر تارک این فصل از دفتر مقاومت و مبارزه در

ایران می درخشد، نام رفیق کبیر حمید اشرف است.

روز خونین ۸ تیر

۸ تیر در تاریخ سازمان و جنبش انقلابی در ایران جایگاه ویژه ای دارد. در هشتم تیرماه سال ۱۳۵۵ رفقا حمید اشرف، یوسف قانع خشک بیهجاری، محمد رضایثری، محمد حسین حق نواز، علی اکبر وزیری، طاهره خرم، لایق مهربانی، فاطمه حسینی، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراط پور و عسکر حسینی ابرده در طی نبردی حماسی با مزدوران تاین دندان مسلح رژیم سرنگون شده شاه، در راه آرمانهای انقلابی خود جان باختند. مزدوران شاه ۸ تیر را به عنوان روز خودکشی گرفتند. چهره خوار دربار درشت ترین تثیر خود را به خبر کشته شدن رفیق حمید اشرف اختصاص دادند، رژیم شاه مدعی شد که دیگر دفتر حیات سازمان بسته شده است. برای فدائیان خلق و همه نیروهای انقلابی ۸ تیر روز پسیار تلخی بود. سازمان تمام کادر مرکزی خود را از دست داده بود و پیوسته کشته شدن رفیق حمید اشرف حکم ضربه کرانی را بر پیکر فدائیان داشت. اما مبارزین سردر راه آملاشان می نهند تا آرمان انقلابی پایرجایانند. ۸ تیر با خود پیام شگرفی داشت: مقاومت کنید! ایستادگی کنید! از جان خود در گذرید اما آرمانتان را فرو نهدید! این پیام طنین گسترده ای داشت. بهره گیری از جوهر رزمجویانه این پیام، زندگی سازمان ما را تداوم بخشید. دیری نپایید که سازمان ما ضربه ها را ترمیم کرد و مجددا مبارزه انقلابی در برابر رژیم شاه را سازمان داد. نیرویی که به ما این توان را داد همان نیرویی بود که رفیق حمید اشرف و همزمان دلیر او را به این دلاوری حماسی مسلح می ساخت که با فریاد پرطنین "مرگ پشاه! مرگ برامپریالیسم!" تا پای جان در برابر یورش مزدوران شاه ایستادگی کنند. آن حماسه بود که حماسه های بعدی را آفرید. بدون حماسه آفرینی در ۸ تیر،

بدون ۸ تیرها، بدون سرمشق هایی همچون حماسه آفرینان سیاهکل، بدون چهره های تاینکی چون بویان، احمدزاده، مفتاحی، زبیرم، صفایی آشتیانی، بیژن جزئی، حسن ضیاظریفی، طاهره خرم، حسن نوروزی، غزال آیتی، مرضیه احمدی اسکویی، قربانعلی مؤذنی پور، رضی الدین تابان و بالاخره صدها نمونه ایثار و فداکاری دیگر استقرار سازمان در جایگاه گسترده ترین شکل رزمنده سیاسی و پر نفوذترین سازمان کمونیستی ایران میسر نمی شد.

۸ تیر به ما آموخت که پرچم مقاومت همواره باید برافراشته باشد. روزهای بعد از ۸ تیر نیز به ما آموخت که بعد از سخت ترین ضربه ها نیز می توان با اتکا بر سنت های دلاوری فداکاری و سخت کوشی، مشعل رزم انقلابی را فروزان نگه داشت. ۸ تیر بیانگر ایمان استوار فدائیان بخون تنیده ای است که در راه خلق پیکار کردند، جان باختند و تسلیم نشدند. از اینروست که این روز گرامی، روز شهیدان فدائی نامیده شده است.

از رفیق حمید اشرف بیسم آموزیم!

رفیق حمید اشرف از اوایل دهه ۴۰ به مبارزه انقلابی رو آورد. او از اعضا گروه جزئی - ظرفی واز بنیانگذاران سازمان ما بود. رفیق حمید اشرف در روزهای سخت بود. بعد از دستگیری رفقای گروه جزئی در سال ۱۳۴۶ وظیفه سختی بر دوش او و تنی چند از همزمان دیگرش قرار گرفت. آنها می بایست راه را ادامه می دادند، ضربات و لطامات را چیران می کردند و آماده عمل می شدند. پس از ضربات سال ۴۹ و نیز در سالهای ۵۰ و ۵۱ بار دیگر این وظیفه بر دوش رفیق حمید اشرف قرار گرفت که با سخت کوشی، دلاوری و فداکاری کم نظیری به جریان ضربات بپردازد و مشعل رزم انقلابی سازمان را فروزان نگه دارد. شاید بدون انرژی و فداکاری خارق العاده ای که رفیق حمید اشرف از خود نشان می داد از سرگردانیدن آن روزها، ماهها و سالهای بسیار سخت و دشوار میسر نمی گردید. بیهوده نبود

از جلوه‌های همبستگی با فدائیان اسیر

* **الویم آبهامامت، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست شیلی و الیزا مراندا از مسئولین سازمان زنان حزب کمونیست شیلی، ضمن ابراز انزجار از سیاست‌های فاجعه‌بار حکومت آزادی‌کش خمینی، با امضای کارت اعتراضی در دفاع از جان رفیق لطفی، قتل‌شکنجه و اعدام در زندان‌های ایران را خواستار گردیدند.**

* **گوتروالراف، روزنامه‌نگار برجسته و مترقی آلمانی و نویسنده کتاب "اعمال" که طی آن به افشای سیاست‌های نژادپرستانه دولت آلمان فدرال پرداخته، اختناق حاکم بر ایران را به یاد انتقاد گرفت. او همچنین با امضای فراخوان سازمان مبنی بر حمایت از زندانیان سیاسی ایران، به دفاع از فدائیان اسیر برخاست.**



* **نلام ویشاپالارام نماینده حزب کنگره (ایندپرا) - هند، (عکس بالا) ضمن ابراز همبستگی با مبارزات حق‌طلبانه مردم ایران، کارتی حاوی متن اعتراض به زندانی و شکنجه کردن انوشیروان لطفی و سایر فرزندان دربند خلق را امضا نمود.**



اسوپ پاماد، عضو "رهبری ملی" حزب کمونیست آفریقای جنوبی

نمایندگان احزاب، سازمان‌ها و محافل مترقی جهان همچنان نگرانی خویش را نسبت به سرنوشت انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سایر مبارزانی که پایمردانه شکنجه‌های جلادان زندان‌های خمینی را تحمل می‌کنند، اعلام می‌دارند. در زیر توجه خوانندگان را به اخباری در این زمینه جلب می‌کنیم.

* **دلورس ابهاروری، صدر حزب کمونیست اسپانیا و مبارز نامدار این کشور، سرکوب خونینی را که رژیم جمهوری اسلامی در ایران به راه انداخته است محکوم نمود و بر آزادی بی‌درنگ انوشیروان لطفی تأکید ورزید. صدر حزب کمونیست اسپانیا، در بخشی از تلگرافی که به همین منظور برای خامنه‌ای ارسال داشت، چنین نوشت، "با موعبتی برخاسته از یک زندگی طولانی وقف شده به خاطر آزادی، از شما می‌خواهم حکم اعدام انوشیروان لطفی را لغو کنید، همچنین آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران را خواستارم."**

* **اسوپ پاماد، عضو "رهبری ملی" حزب کمونیست آفریقای جنوبی حمایت همه‌جانبه خلق به پا خاسته آفریقای جنوبی را از پیکار مردم ایران در راه دستیابی به آزادی و عدالت اعلام نمود. وی با امضای کارت پستی مزین به تصویر رفیق لطفی خواهان رهایی این کرد دلاور جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما از شکنجه‌گاه‌های ارتجاع حاکم گردید.**

۳۱ خرداد، پنجمین سالگرد تیرباران هنرمند و انقلابی برجسته

سعید سلطانیپور



اگر از خواب بیدار

شعری از سعید سلطانیپور

این مرد زنده کیست
این مرد زنده کیست
که دیر است
بانه اش زمین و زمان را
از هم نمی‌درد؟
وزخم تافته اش را
از انتهای شب، به شبی تازه می‌برد؟
این مرد خفته کیست
این ساکت
این صبور
که گاهی
بانه‌ای به تاب و تب اقرار می‌کند
و در شبی کنداخته و سنگین
کایوس خون و خشم و خیالان را
در خاطرات خفته‌ی تابستان
بیدار می‌کند

افتاده روی شانه‌ی بیماری
شب، در شرارتخ‌دیر
با خواب می‌گراید
بازخم تازه‌تر، اما
از خواب برمی‌آید.

این بی‌دیاریا، به بیمارخانه کیست؟
این بی‌نشانه کیست؟
که شکله و چارق از دست رفته اش
در گنجینه مانده است
وز آفتاب و کار، ترک‌های تفته اش
بر پنجه مانده است.
چنگش فرونشسته میان ملاقه‌ها
جوابارخون
از کتج لب، به کنده‌ی شانه، کشانده است
از چشم نیم‌خفته بیمار، الماس‌های اشک
برخون نشانده است
بر بالشی سپید
- چون خرمنی زخون و زخاکتر -
کاکل فشانده است.
تابیده دنده‌هایش، از زیر زخم و پوست

تانه‌ریسته است
می‌سوزد استخوان و
کسی نیست.
این مرد خسته کیست؟
این مرد روستائی
این مرد کارگر
این مرد نعره‌پسته‌ی درخون نشسته کیست؟
این غول ماندگار ولی سرشکته، کیست؟

با کشت پاسدار
پشت درودریچه و دیوار
بیمارخانه خفته و
بیمار
در حاله‌ی سکوت نفس می‌کشد.

ناکاه می‌شکافد در ابرتندری
بیمارخانه، باز، می‌آشوبد.
برقی به چشم چیره‌ی شب چنگ می‌زند،
بیمارخانه‌پند اسیران است.
رگبار پشت صاعقه می‌کوبد؛
این شکله چرخ
خود دلاوران است
این چارق کهن
پوزار کاویان است
این قلب مزدک است.
این یازوان رستم دستان است
ای خفتگان خوی
این مرد روستائی
این مرد کارگر
این پهلوان زخمی
ایران است.

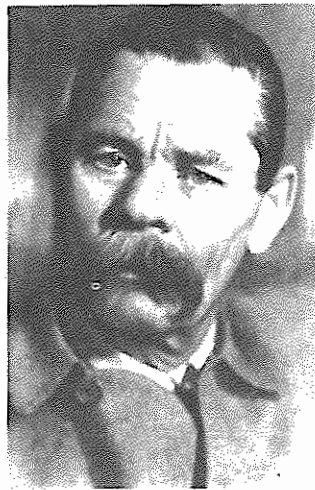
رگبار روی پنجه می‌کوبد
خفته‌ست پشت پنجه، بیمار
و پاسدار
خرد و خراب و خسته، می‌گردد
پشت درودریچه و دیوار.

افق‌های تازه‌ای در برابر ادبیات شوروی و ادبیات رئالیستی جهان گشود و تأثیرات گسترده‌ای از خود به جا نهاد. حتی بورگن روله، جامعه‌شناس آلمان غربی که بارثالیسم سوسیالیستی سر عناد دارد و ماکسیم گورکی را خوش نمی‌دارد، "زندگی کلیم سامکین" را عظیم‌ترین اثر ادبی قرن توصیف کرده است.

گورکی وارث بهترین سنت‌های ادبی روسیه است. کسی که کتاب‌های ماکسیم گورکی را بخواند، به عینه حس می‌کند که پوشکین، تورگنوف، شچدرین، داستایوسکی، تولستوی و چخوف ناظر بر آثار او هستند. او از همه آموخته است و همه را در آثار خود زنده کرده است. با این حال گورکی، گورکی است. گورکی آموخته ذهنی را با تجربه عینی ترکیب کرده و با "فردیت ویژه هنرمندان" آن‌ها را به هم مزوج ساخته است.

صدای گورکی، پیام او و آثار او همچنان زنده اند و زنده خواهند ماند. از ۵۰ سال پیش تاکنون جهان بسیار تغییر کرده است. آثانی که گورکی برایشان می‌نوشت به نیروی عظیمی تبدیل گشته‌اند، پی‌درپی قلدهای بیشتری را در میان سلسله جبال پهنه تاریخی‌ای که جزو قلمرو دوران پیروزی نهایی اردوی کار و زحمت است، فتح کرده‌اند و همچنان مطمئن و استوار به سوی فتح آینده پیش می‌تازند. در روزگار مانیز این‌ندای ژرف گورکی ظنین‌افکن است که "اربابان فرهنگ، پاکیانید؟" پاخیل زحمتکشان، با نیروی صلح و سوسیالیسم و یا با اردوی چنگی جهانخوارگان امپریالیست؟ پاسخ عملی هر نویسنده، هنرمند و صاحب فرهنگی به این سؤال عمیق گورکی، شاخص اصلی تمیز بین هنر ارتجاعی و هنر مردمی و پیشرو است.

گورکی اکنون بسیار فراتر از آثار خود رفته است. در عرصه ادبیات و هنر "مادر" گورکی صاحب هزاران "فرزند" گشته است. فرزندان که از "مادر" این نویسنده بزرگ مایه گرفته‌اند. اما "مادر" تنها در محدوده ادبیات باقی نمانده است. "مادر" میلیون‌ها فرزند دارد. بسیاری از کسانی که در عرصه مبارزه‌اند، "مادر" را خوانده، از آن آموخته و از آن شور بر گرفته‌اند. فرزندان "مادر" در حال ساختن جهانی هستند که در آن دیگر هیچ مادری دردمند نباشد. این گونه است که ادبیات نیز از محدوده "تفسیر" فراتر می‌رود و به عرصه "تغییر" پا می‌نهد. این گونه است که ادبیات به اهرم انقلاب بدل می‌شود.

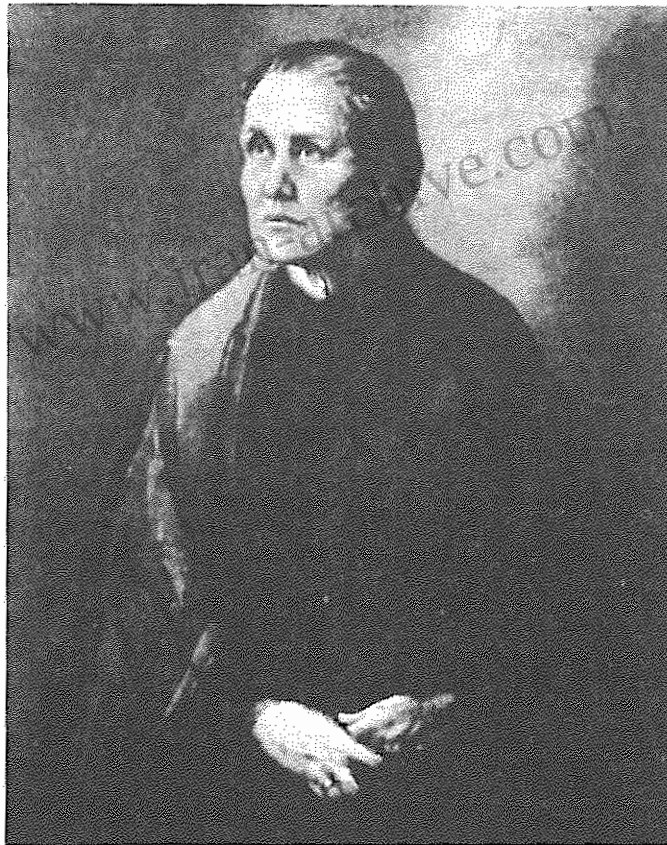


۱۸ ژوئن پنجاهمین سالگرد درگذشت ماکسیم گورکی، خالق "مادر"

آیا "مادر" را خوانده‌اید؟ آیا از زمان شاه، آن کتاب دارای جلد روزنامه‌ای و کاغذهای زرد شده و تقریباً پاره و پوره را به یاد می‌آورید؟ "مادر" شاید جزو نخستین کتاب‌هایی بود که جوانان مبارز منصفانه بدست می‌آوردند و می‌خواندند، و دقیق‌تر بگوییم می‌بلعیدند. چه دنیای شگرفی! مبارزه! مبارزه طبقه کارگر! رژیم کمونیست‌ها! رژیم پاول! رژیم مادر! نیرو می‌گرفتیم، آگاه می‌شدیم و پادر را می‌می‌نهادیم که پاول‌ها و مادرها گشوده بودند. "مادر" تنها برای ما از یک چنین بار عاطفی و مبارزاتی برخوردار نیست. در جهان خیلی‌ها "مادر" را همان‌گونه خوانده‌اند که ما. "مادر" تاکنون در دل میلیون‌ها تن خواننده خود شور و امید برانگیخته است.

"مادر" را ماکسیم گورکی نوشته است. روز ۱۸ ژوئن (۲۸ خرداد) مصادف بود با پنجاهمین سالگرد درگذشت این نویسنده بزرگ. نویسنده‌ای که لنین در مورد او گفته است: "بدون شک گورکی هنرمند برجسته‌ای است که تاکنون خدمات شایانی به جنبش جهانی طبقه کارگر کرده است و در آینده نیز خواهد کرد."

"مادر" اکنون میلیون‌ها فرزند دارد



پرتره‌ای از "مادر" - اثر کوکرینیکی

در ادبیات جهان کمتر چهره‌ای همانند ماکسیم گورکی بر روی معاصرین و اخلاف خود تأثیر گذاشته است. ماکسیم گورکی که اسم اصلی او آلکسی ماکسیموویچ پشکوف است، از اعماق جامعه برخاسته بود. او فاقد تحصیلات رسمی بود. او در "دانشکده" اجتماع درس آموخته بود. او از کودکی بادر و رنج و زحمت و کار آشنا شد. زندگی را در تمام وسعت خود تجربه کرد و همین تجربیات را در آثارش بازتاب داد.

ماکسیم گورکی نخستین اثرش را که یک داستان کوتاه بود، در سال ۱۸۹۲ در سن ۲۴ سالگی انتشار داد. شش سال بعد اثر دو جلدی "مقالات و داستان‌های کوتاه" از او انتشار یافت که چندی نپایید آوازه او را حتی در خارج از مرزهای روسیه پیچاند. او در سال ۱۹۰۲ نمایشنامه "در اعماق" را نوشت که امروزه نیز جزو لیست پربیننده‌ترین قطعات نمایشی است. انقلاب ۱۹۰۵ "مادر" را در ذهن ماکسیم گورکی نشان داد. "مادر" در سال ۱۹۰۶ انتشار یافت. رمان "مادر" جهت تازه‌ای به ادبیات و هنر داد که رئالیسم سوسیالیستی نام گرفت. زندگی‌نامه او در سه اثر "دوران کودکی"، "در میان مردم" و "دانشکده‌های من" در تاریخ ادبیات جایگاهی در کنار "اعترافات"، "ژان ژاک روسو" و "کودکی"، "نوجوانی" و "جوانی" تولستوی یافت.

ماکسیم گورکی در ارائه سیمایی ملموس از مردان بزرگ نیز توانایی شگرفی داشت. توماس مان "لوتولستوی" گورکی را بهترین اثر وی دانسته است. نادرزا کروپسکایا مفسر لنین، در نامه‌ای به گورکی "خطرات" او از رهبر کبیر انقلاب اکثر را چنین توصیف کرده است:

در ایران امکان انتشار یافت و شاید هنوز اغلب کتابخوانان فرصت و امکان مطالعه آن را نیافته باشند. در این اثر فضا و شرایط روسیه در طی چهار دهه پیش از انقلاب اکتبر بازآفرینی شده است. رمان ساخت هنری بفرنجی دارد و هنوز در محافل و مجامع ادبی جهان حول آن بحث می‌شود. برخی‌ها این اثر را اوج ادبیات شوروی دانسته‌اند. "زندگی کلیم سامکین"

"ایلچ شاجاندار است، به تمامی زنده است. تنها کسی که او را دوست داشته باشد، ممکن است چنین اثری بنویسد."

ماکسیم گورکی ده ساله آخر عمر خود را صرف نوشتن داستان "زندگی کلیم سامکین" کرد. متأسفانه خوانندگان فارسی زبان کمتر با این اثر عظیم آشنایی دارند. این اثر به دلیل سلطه اختناق تنها بعد از انقلاب

کارخانه کفش ملی

کارگران کارخانه کفش ملی پس از مدت‌ها مبارزه بالاخره چندی پیش موفق شدند، مدیریت کارخانه را مجبور نمایند حق مسکن کارگران را افزایش دهد. اما کمی بعد وزارت کار با این امر به مخالفت برخاست و کوشید این دستور کارگران را باز پس بگیرد. و قتیکه تشیقات وزارت کار در این زمینه با ایستادگی کارگران خنثی شد، این وزارتخانه از مدیریت کارخانه کفش ملی خواستار شد، مبلغ اضافه شده را نه یا عنوان حق مسکن که یا عنوان دیگری به کارگران پرداخت نماید. دلیلی که وزارت کار برای این تغییر عنوان طرح کرده است، این است که این امر کارگران کارخانجات دیگر را "تحریک" می‌کند.

در این کارخانه در اردیبهشت ماه پرسشنامه‌ای به کارگران دادند و از آن‌ها خواستند آن را پر نمایند. در این پرسشنامه از کارگران خواسته شده است آمادگی خود را برای رفتن به جبهه اعلام دارند. توزیع این پرسشنامه اعتراض کارگران کفش ملی را برانگیخته است. بنابه گزارشات واصله در همه کارخانجات کشور چنین فرم‌هایی میان کارگران توزیع شده است.

فولاد مبارکه

طی چهار ماه اخیر حقوق ماهانه کارگران مجتمع فولاد مبارکه پرداخت نشده است. همه کوشش‌های کارگران برای گرفتن حقوق خود تاکنون به نتیجه‌ای نینجامیده است. در اینجا نیز مسئولین اعلام داشتند که به خاطر بی‌پولی قادر به پرداخت حقوق نیستند. در اعتراض به این وضعیت کارگران یکی از واحدهای مجتمع در اواسط اسفند دست به اعتصاب زده بودند.

بخشی از نامه یک زن کارگر:

"یکی از کارگران کارگاه ما زن ۵۰ ساله‌ای است که معتاد است. او هجده ساله بود که شوهرش مرد. این زن از آن وقت تا الان بیوه است و همه این مدت کارگری کرده است. دو پسر دارد که هر دو، آن‌ها زن و بیچه دارند. یکی از پسرهایش که با او زندگی می‌کند مشغول فراری است و نمی‌تواند کاری پیدا کند و با حقوق مادرش زندگی می‌کند. ... یکی دیگر از کارگرهای زن ۲۲ ساله است. او هفت سال قبل ازدواج کرد و دختری ۳ ساله دارد. شوهرش را ۳ سال پیش به جبهه بردند و چند ماه بعد برایش خبر آوردند که شوهرش مفقود الاثر شده است. این زن الان می‌داند که شوهرش کشته شده است اما دادگاه موافقت نمی‌کند که او دوباره شوهر کند زیرا اسم شوهرش در لیست مفقود الاثرهاست. پنج شش ماه پیش به او همت زدند که با مرد دیگری رابطه دارد، به همین خاطر همه وسایل منزل را که از بنیاد شهید به نرخ رسمی خریده بود، از او پس گرفتند. مقرری ماهانه ۲۵۰۰ تومانی وی هم قطع شد. بدتر از همه اینکه تنها بچه‌اش را هم از او گرفتند و گریه‌هایش را در این زن هیچ فایده‌ای نکرد. الان بچه‌اش را در پرورشگاهی نگهداری می‌کنند که مخصوص این کار ساختند. مادرش فقط می‌تواند هفته‌ای سه ساعت بچه‌اش را ببیند."

در کارخانه‌های کشور

شرکت کوماتسو

در اردیبهشت ماه مسئولین شرکت کوماتسو با قرعه‌کشی کارگران را جهت اعزام اجباری به جبهه به دو سری تقسیم کردند. سری اول باید فوراً به جبهه اعزام شوند. این دسته از کارگران به شدت اعتراض کرده و اعلام داشتند حاضر نیستند به جبهه بروند. آنان در پاسخ به تهدیدات مسئولین، اظهار داشتند که حتی اخراج هم نمی‌تواند مارا به رفتن به جبهه وادار نماید.

کارخانه سیمان تهران

کارگران کارخانه سیمان تهران در روز ۲۸ اسفندماه دست به اعتراض شدیدی زدند. این حرکت اعتراضی زمانی آغاز شد که مدیریت اعلام داشت که به کارگران به خاطر حق بهره‌وری تنها مبلغ ۶۰۰۰ تومان پرداخت خواهد شد. به اعتقاد کارگران هم آن‌ها از حق بهره‌وری لااقل دو برابر این مقدار باید باشد.

در همین کارخانه در فروردین ماه مدیریت از پرداخت حقوق ماهانه کارگران خودداری کرد. و قتیکه با مخالفت و اعتراض کارگران روبرو گردید، مدعی شد که علت تاخیر در پرداخت حقوق خراب شدن کامپیوتر حسابداری می‌باشد. حرکت اعتراضی کارگران باعث گردید که مدیریت، بخشی از حقوق کارگران را به عنوان مساعده به آن‌ها بپردازد و متعهد شد که بقیه آن را نیز تا ۱۵ اردیبهشت ماه پرداخت نماید.

ایران پوبلین

در شرکت پارچه بافی ایران پوبلین رشت اقدامات مسئولین برای اعزام کارگران به جبهه با مقاومت قاطع کارگران کاملاً خنثی شد. میچ یک از ۲۰۰۰ کارگر این کارخانه حاضر به رفتن به جبهه نگردیدند. این امر باعث گردید که مسئولین بسیج شهر رشت و وزارت کار تضییقاتی علیه شاغلین در این کارخانه اعمال نمایند و در پی آن درگیری‌هایی نیز پدید آمد. وزارت کار از کارفرمای این کارخانه (که متعلق به بخش خصوصی است) خواست حق بهره‌وری کلیه کارگران را قطع نماید. بسیج رشت نیز دستور داده است بخشی از پارچه تولیدی کارخانه و یک روز از حقوق کارگران برای چنگ تخصیص داده شود. در این کارخانه اکنون سطح تولید بسیار تنزل کرده و به ۷۰ درصد حجم سابق رسیده است.

ماشین‌سازی اراک

در کارخانه ماشین‌سازی اراک اسامی ۷۰۰ تن از کارگرانی را که مازاد بر نیاز خوانده شده‌اند، اعلام داشته‌اند. این عده از کارگران بازخرید خواهند شد، مدیریت این کارخانه هم چنین اعلام داشت که ۲۰ درصد بقیه کارگران باید به جبهه بروند. مدیریت تهدید کرد هر کارگری که مخالف اعزام باشد اخراج می‌شود.

کارخانه زامیاد

مدیریت کارخانه زامیاد در اردیبهشت ماه اعلام داشت که در این کارخانه ۲۴۰۰ کارگر مازاد بر نیاز هستند و باید اخراج شوند. در پاسخ به اعتراض کارگران، مدیریت تهدید کرد که کارگران معترض در لیست اخراج قرار خواهند گرفت. در همین راستا طی ماه اردیبهشت ۹۴ تن از کارگران اخراج گردیدند. اکنون تولید در این کارخانه به شدت بی‌رو سامان شده است و گفته می‌شود که بزودی تولید این کارخانه متوقف خواهد شد. تولید نسیان در این کارخانه از ۱۱۰ عدد به ۴۰ و تولید کامیون ولو از ۱۰ به ۲ عدد رسیده است. کلیه اضافه‌کاری‌ها قطع شده و کاردر روزهای پنج‌شنبه نیز تعطیل گردیده است. اکنون از سوی مسئولین طرحی تنظیم شده است که مطابق آن امکانات و باقیمانده پرسنل این کارخانه در اختیار کارخانجات دیگر از قبیل ایران خودرو و بنر خاور قرار خواهد گرفت. در همین کارخانه در اردیبهشت ماه کارگران را مجبور کردند فرم اعزام به جبهه را پر نمایند.

کارخانه دخانیات رشت

در کارگاه فریدن واقع در احمدکوروب رشت، کارگران شاغل در کارخانه در شرف احداث توتون خشک‌کنی دخانیات دست به اعتصاب زدند. اعتصاب به خاطر گرفتن دست‌مزد های معوقه سه ماهه صورت گرفت. این اعتصاب با پیروزی سیصد کارگر این کارخانه خاتمه یافت.

شرکت نفت

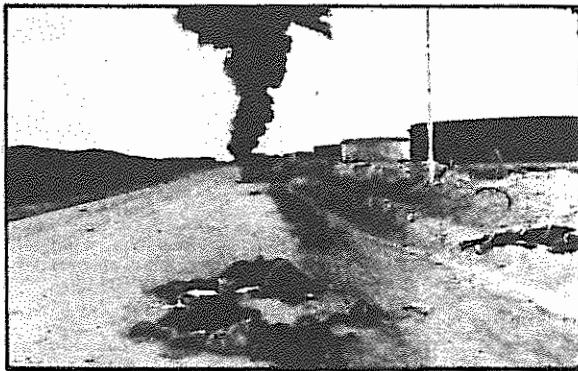
شرکت ملی نفت کار چندین پروژه مهم نفت رسانی و پالایش را متوقف کرده است. از جمله این پروژه‌ها، پروژه تاسیسات پالایشگاه هفتم اراک، تلمبه‌خانه ارومیه، تلمبه‌خانه امواز و ... می‌باشد. مسئولین مربوطه علت توقف کار در این پروژه‌ها را فقدان بودجه عنوان کرده‌اند.

جنرال استیل

در اواسط اسفندماه، مامورین با دو ماشین شهرداری به نزدیکی کارخانه پوپا (جنرال استیل) آمدند و مردی میوه‌فروش را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. این امر مورد اعتراض کارگرانی که از کارخانه بیرون می‌آمدند قرار گرفت. مامورین شهرداری که از چاقو کشان محل هستند و برای همین منظور نیز توسط شهرداری استخدام شده‌اند، به یکی از کارگران حمله کردند و وی را زخمی ساختند. متعاقب آن دیگر کارگران به مامورین شهرداری حمله کرده و آنان را به شدت مضروب نمودند و ماشینشان را خرد کردند. مامورین شهرداری فرار را برقرار ترجیح داده و از محل گریختند.

عصر جدید:

تراژدی جنگ ایران و عراق باید پایان یابد!



در فار، جنگ ادامه دارد، آتش، دود و خون.

"عصر جدید" در پایان می نویسد:

"بحثها و تحلیل های سیاسی درباره این جنگ، به وفور وجود دارد. اما تقریباً هیچ یک از کارشناسان غربی که به ارزیابی جوانب سیاسی و اقتصادی جنگ می پردازند، به مردم این دو کشور نمی اندیشند. اگر این جنگ برای بسیاری از سیاستمداران، ژنرال ها و بانکداران، "جنگ تلمبه ها"، "جنگ دلارهای نفتی" و یا "جنگ موج های انسانی" است، برای همه مردم شریف عراقی ها، یک تراژدی است. این تراژدی را که می تواند سرچشمه رویدادهای بسیار خطرناک تر نیز باشد، نمی توان با میلیارد ها، هر چند هم که زیاد باشد سنجید."

"عصر جدید" همچنین به سخنرانی رابین وزیر جنگ اسرائیل در دانشگاه جورج تاون واشنگتن اشاره دارد که در آن رابین گفته است: "تا وقتی این جنگ ادامه دارد، اسرائیل بسیار کمتر مورد تهدید است." روزنامه آمریکایی "پستون کلوب" نیز نوشته است: "برای اسرائیلی ها و اعراب محافظه کار، بهترین حالت آن است که جنگ، ۱۰۰ سال دیگر ادامه داشته باشد تا وقتی که آخرین عراقی، آخرین ایرانی را بکشد و یا برعکس." همین روزنامه، منافع عظیم دلان بین المللی اسلحه و برخی شرکت های نفتی در ادامه جنگ را نیز ذکر کرده و افزوده است در خود کشورهای درگیر جنگ نیز محافلی وجود دارد که از این جنگ طولانی برای تحکیم مواضع خود و سرکوب اپوزیسیون بهره می گیرند.

جنگ است، مقاله می افزاید موضع ایالات متحده، دقیقاً در جهت مخالف برخورد اتحاد شوروی است. واشنگتن می گوید از کانون های بحران در سراسر جهان برای افزایش حضور نظامی خود، تحمیل دیکتاتوری های آمریکایی به ملت ها و استفاده از تشنجات منطقه ای در رویارویی با اردوگاه سوسیالیسم

اگر این جنگ برای بسیاری از سیاستمداران، ژنرال ها و بانکداران، "جنگ تلمبه ها"، "جنگ دلارهای نفتی" و یا "جنگ موج های انسانی" است، برای همه مردم شریف جهان، و به ویژه برای ایرانیان و عراقی ها، یک تراژدی است. این تراژدی را که می تواند سرچشمه رویدادهای بسیار خطرناک تر نیز باشد، نمی توان با میلیارد ها، هر چند هم که زیاد باشد سنجید.

بهره گیر. در این باره، روزنامه آمریکایی "فیلادلفیا اینکواریر" در نوامبر گذشته به صراحت نوشت: "در نهایت این آمریکاست که از ادامه این جنگ، به لحاظ دیپلماتیک و استراتژیک سود می برد و نه اتحاد شوروی."

بقیه از صفحه ۱۲. نخواهد شد، و "اینک میان ایران و عراق عملاً یک جنگ فرسایشی در جریان است و در آن، دلارهای نفتی نقش مهمی دارند." در ادامه مقاله "عصر جدید"، به فشار سنگینی که جنگ بر اقتصاد هر دو کشور وارد می کند، اشاره شده است. نویسنده سپس عواقب فلاکت بار اجتماعی جنگ و ارقامی از مخارج سنگین آن را ذکر می کند. در بخش دیگری از این مقاله آمده است که با آنکه در جنگ ایران و عراق، تنها دو کشور درگیرند، عواقب آن بر اوضاع تمام جهان تاثیر می گذارد. "عصر جدید" می نویسد:

"اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی موضع خود نسبت به جنگ ایران و عراق را به روشنی و صراحت بیان داشته و بارها خواهان قطع این خونریزی بیپایان و بیخود که برخلاف منافع دولت مانع تلاش برای عادی ساختن اوضاع جهان است، بیان داشته است. اتحاد شوروی، مذاکرات را تنها امکان حل درگیری می داند. تلاش برای طرح دعاوی ارضی و یا تغییر نظام دولتی کشور مقابل به زور اسلحه تنها بیانه ای برای طولانی تر کردن

تشدید سرکوب...

بقیه از صفحه آخر. در روز ۱۵ ماه مه سال جاری دقایقی پس از نیمه شب، واحدهای ویژه پلیس اردن و واحدهای ارتشی که نفرات آن از افراد قبایل هاشمی تشکیل می شوند، به محوطه دانشگاه بیرموک یورش آورده و با خشونت هر چه تمام تر علیه بیش از ۲۵۰۰ دانشجو که در اعتراض به افزایش شهریه و محدودیت فزاینده فعالیت های فرهنگی و سیاسی توسط پلیس مخفی اردن دست به اعتصاب زده بودند، وارد عمل شدند. چرقه ای که به اعتصاب انجامید، تنبیه انضباطی ۲۲ دانشجوی دختر و پسر بود که سه هفته پیش از آن علیه مقررات جدید ثبت نام ترم تابستانی اعتراض کرده بودند.

بر خلاف گزارش منابع رسمی، که شمار دانشجویان مقتول در جریان حمله پلیس و ارتش را سه تن ذکر کرده بودند، اینک مخالفین رژیم از ۲۵ کشته نام می برند. صدها دانشجو مجروح شده و صدها تن دیگر بازداشت گردیدند. در روز ۲۴ ماه مه، هشت

موج جدیدی از تخلیه اهالی مناطق اشغالی توسط صهیونیست ها انجام گرفت، به طور آشکار به منظور تحت تاثیر قرار دادن نتایج انتخابات داخلی سندیکاها و اتحادیه های حرفه ای صورت پذیرفت. در عین حال، موج دستگیری ها تنها دامن کسانی را گرفت که به عنوان مخالفین "مواقتنامه امان" میان ملک حسین و جناح راست سازمان آزادیبخش فلسطین شناخته شده بودند. تشدید اقدامات سرکوبگرانه رژیم اردن که از پاییز گذشته با وقفه هایی ادامه دارد، دهدف رادر عرصه سیاست داخلی و خارجی رژیم دنبال می کند که البته این دهدف را نمی توان جداگانه بررسی کرد. ضرورت این تدابیر از یک سو به وخامت آشکار وضع اقتصادی کشور باز می گردد. از سوی دیگر، نیروهای ترقی خواه اردن معتقدند اقدامات سرکوبگرانه جدید، برای فلج کردن کل جنبش خلق و هموار نمودن راه مذاکرات مستقیم با اسرائیل انجام می گیرد.

اردن، چند تن از اعضای برجسته سازمان های چپ فلسطینی، از جمله جبهه خلق برای آزادی فلسطین نیز در میان دستگیر شدگان دیده می شوند. با کلاشت یک ماه از واقعه یورش پلیس به دانشگاه بیرموک، اطلاعات مشخصی انتشار یافته است که ثابت می کند این عملیات به هیچ عنوان "پاسخ" به اعتصاب دانشجویان نبوده، بلکه از مدتها پیش برنامه ریزی شده بود. در آستانه حمله نیروهای سرکوبگر، دانشجویان اعتصابی و رئیس دانشگاه به حصول توافق نزدیک شده بودند. اما رژیم که می خواست از مبارزان زهرچشم بگیرد، دست به این جنایت زده و دانشگاه را به خاک و خون کشید.

سابقه موج اخیر سرکوب در اردن به نوامبر ۱۹۳۵ باز می گردد. در پاییز گذشته، ۵۰ تن از رهبران جنبش دانشجویی، سندیکاها و اتحادیه های فارغ التحصیلان دانشگاه، و نیز ۲ نفر از اعضای شورای ملی (پارلمان) فلسطین، توسط رژیم اردن بازداشت شدند. این بازداشت ها که هم زمان با

روز پس از واقعه، اجساد سه تن از مقتولین از منبع آب دانشگاه به دست آمد.

شهر اربید، که ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارد و دانشگاه آن در میان سه دانشگاه اردن بزرگترین است، مدتها توسط رژیم محاصره شده و ارتباط آن با جهان خارج قطع گردید. سایر دانشگاه ها و مدارس عالی نیز به محاصره نیروهای سرکوبگر درآمدند. ملک حسین که از عواقب یورش جنایتکارانه کژمه های خود به دانشجویان مبارز به هراس افتاده بود، دوز پس از حمله پلیس و ارتش به دانشگاه بیرموک دستور آزادی همه کسانی را که در این رابطه دستگیر شده بودند، صادر کرد. دولت در همان روز برای بررسی مسئله کمیسیونی مرکب از سه وزیر تشکیل داد. اما پوچ بودن این مآشورها زمانی ثابت شد که چند روز بعد، ۲۲ تن از کادرهای حزب کمونیست اردن، از جمله دبیر کل آن فائق وراق و چندین عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب، بازداشت شدند. علاوه بر کادرهای حزب، کمونیست

اتحاد شوروی، پلنوم کمیته مرکزی حزب و اجلاس شورای عالی

نخستین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از برگزاری کنگره بیست و هفتم حزب، در فضایی که هم چنان روح انتقاد سازنده و تحرک در آن به چشم می خورد، به بررسی دستاوردها و تجارب کسب شده در راه شتاب بخشیدن به رشد اجتماعی - اقتصادی کشور پرداخت. آهنگ کند پیشرفت در این زمینه و برخوردهای غیرفعال در پلنوم مورد انتقاد قرار گرفت.

میخائیل گاربایف دبیر کل حزب در پلنوم اظهار داشت گرایش به سوی افزایش آهنگ رشد اقتصاد، محسوس است. آنچه مردم شوروی از ماه فوریه بدین سو بدست آورده اند، کم نیست. در نخستین پنج ماه سال جاری، افزایش تولید صنعتی در قیاس با دوره زمانی مشابه سال قبل، به ۵/۷ درصد بالغ می شد، در حالی که برنامه اقتصادی ۴/۲ درصد افزایش پیش بینی کرده بود. بازده کار به جای ۴/۱ درصد پیش بینی شده، ۵/۲ درصد افزایش یافت. دبیر کل حزب افزود، "ما علت این امر را به ویژه کار فعال خلق و روندهای مثبتی می دانیم که در جامعه جریان دارد."

گاربایف در سخنرانی خود، به موانع و دشواری های راه تحقق بخشیدن به مصوبات کنگره ۲۷ نیز پرداخت. وی گفت هنوز برخی هستند که اساس تحولات جاری را درک نکرده اند، موضع صبر و انتظار در پیش گرفته اند و به موفقیت چرخش اقتصادی و سیاسی مورد نظر حزب باور ندارند. به دنبال برگزاری پلنوم کمیته مرکزی حزب، شورای عالی اتحاد شوروی تشکیل جلسه داد. در این اجلاس، طرح ارایه شده از سوی کمیته مرکزی حزب در مورد رشد اقتصادی و اجتماعی از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰، مورد تصویب قرار گرفت. طبق این قانون، قیمت کالاها و خدمات و اجاره بها در اتحاد شوروی ثابت مانده و حقوق و دستمزدها بین ۱۵ تا ۱۸ درصد افزایش خواهد یافت.

اجلاس شورای عالی اتحاد شوروی، همچنین به مسایل سیاست خارجی پرداخت. میخائیل گاربایف در این اجلاس طی سخنرانی اظهار داشت اتحاد شوروی حصول توافق فوری درباره کاهش سلاح های تهاجمی استراتژیک به میزان ۵۰ درصد را ترجیح می دهد، اما حاضر به بررسی هر گونه پیشنهاد دیگر ایالات متحده نیز هست.

پیشنهادهای جدید گروه "کونتادورا"

کشورهای گروه "کونتادورا" و گروه "لیما" طی کنفرانس وزرای خارجه خود که هفته گذشته در پاناماسیتی برگزار شد، به پنج کشور آمریکای مرکزی طرح جدیدی برای قرارداد صلح و به منظور حل اختلافات در این منطقه ارائه کردند. این پیشنهادها از جمله متضمن آن است که کشورهای آمریکای مرکزی از هر گونه استفاده از قلمرو خود علیه کشورهای همسایه جلوگیری کنند. در یکی از موارد پیشنهادها آمده است قدرت های بزرگ خارجی نباید از گروه هایی که برای سرنگونی دولت های منطقه تلاش می کنند، حمایت نظامی یا لجستیکی به عمل آورند. در طول کنفرانس، نمایندگان کشورها گروه "کونتادورا" و گروه "لیما" با تلاش السالوادور، هندوراس و کاستاریکا برای، گنجاندن مواردی، در پیشنهادها که به اوضاع داخلی نیکاراگوئه مربوط می شد، مقابله کردند. این کشورها می کشیدند کنفرانس را وادار نمایند که از دولت نیکاراگوئه بخواهد از انجام تحولات انقلابی و آغاز مذاکره با ضد انقلابیون خودداری کند.

کشورهای گروه "کونتادورا" عبارتند از کلمبیا، مکزیک، پاناما، ونزوئلا. گروه "لیما" از آرژانتین، برزیل، پرو و اروگوئه تشکیل شده است. در کنفرانس، پنج کشور آمریکای مرکزی نیکاراگوئه، السالوادور، گواتمالا، هندوراس و کاستاریکا نیز شرکت داشتند.

اخبار کوتاه

* در ترکیه، در جریان محاکمه گروهی از اعضای سازمان "راه انقلابی"، ۱۹ تن به اعدام محکوم شدند. برای ۱۲ نفر حکم حبس ابد و در مورد ۱۴۶ تن دیگر احکام زندانهای طولی مدت صادر شد.

* در جریان یورش ارتش پرو به زندان در لیما پایتخت این کشور، بیش از ۲۰۰ تن از ۵۰۰ زندانی سیاسی وابسته به سازمان چریکی "راه درخشان" که دست به یورش زده بودند، قتل عام شدند. این کشتار وحشیانه زندانیان در زمانی انجام گرفت که دولت سوسیال دمکرات "آلن گارسیا" میزبان هفدهمین کنگره بین المللی موسیالیست در لیماست.

* هیئت وزیران ایتالیا رایج کردن "لیره جدید" را تصویب کرد. قانون مربوطه مقرر می دارد که به "صفر" از مقابل ارقام لیره کنونی حذف شود. هدف از این اقدام، یک رقمی کردن نرخ مبادله لیره با واحد پول سایر کشورهاست. برای انجام این اقدام که هنوز مستلزم تصویب پارلمان است، مدت زمانی معادل ده ماه در نظر گرفته شده است.

* چهاردهمین کنفرانس سازمان ملل متحد پیرامون مسئله فلسطین، روز سه شنبه هفته گذشته گزارش پایانی خود به اعضای سازمان ملل را منتشر ساخت. در این گزارش از ایالات متحده خواسته شده است با پیشنهاد اکثریت کشورهای جهان برای تشکیل کنفرانس بین المللی پیرامون مسئله خاور نزدیک موافقت کند. گزارش از سایر کشورها دعوت به عمل آورده تا در این جهت بر واشنگتن اعمال فشار کنند.

وحدت احزاب مترقی پاکستان



چهار حزب مترقی پاکستان به نام های "حزب دمکراتیک ملی"، "حزب ملی پاکستان"، "حزب عوامی تحریک" و "حزب کارگران و دهقانان پاکستان" اعلام کردند حزب واحدی تشکیل خواهند داد. این وحدت در تاریخ پاکستان بی سابقه است. این احزاب، کمیته وحدتی تشکیل داده اند که مسئولیت آن، برعهده سردار شوکت علی از حزب کارگران و دهقانان پاکستان است. عکس مقابل صحنه ای از راهپیمایی اول ماه مه در پاکستان را نشان می دهد که چهار حزب نامبرده در برگزاری آن اتحاد عمل داشتند.

انتخابات پارلمانی اسپانیا

بی کاری، از اغلب کشورهای دیگر سرمایه داری پیشی گرفته است.

احزاب راست و محافظه کار اسپانیا برای، این دوره از انتخابات نیز ائتلاف کرده اند. در "اتحاد مردمی" آن ها، وزرای پیشین فرانکو نیز شرکت دارند.

برای نخستین بار در انتخابات اسپانیا، "حزب متحد" با پلاتفرم مشترک شرکت کرده است. این ائتلاف به ابتکار حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست خلق های اسپانیا، پنج حزب ترقی خواه دیگر و نیز شخصیت های دمکرات شکل گرفت و از آن جا که تنها اندکی بیش از یک ماه از اعلام تا انتخابات فرصت باقی مانده بود، زمان زیادی برای تثبیت موقعیت خود نداشت. اما صرف شکل گیری ائتلاف و ارایه برنامه آلترناتیو برای خروج از بحران وفلاکت کنونی دامن گیر کشور، از اهمیت سیاسی فوق العاده ای برخوردار است. نیروهای تشکیل دهنده این ائتلاف، قصد دارند پس از انتخابات ۲۲ ژوئن نیز اتحاد خود را گسترش دهند.

در روز یکشنبه ۲۲ ژوئن، انتخابات پارلمان اسپانیا برگزار شد. نتایج این انتخابات را در شماره آینده گزارش خواهیم کرد. انتخابات پیش رس پارلمان اسپانیا در شرایطی انجام می پذیرد که دولت گونزالس به دنبال موفقیت در رفراندوم پیرامون ادامه عضویت این کشور در پیمان نظامی ناتو، امیدوار است در فضایی که هم چنان تحت تاثیر نتیجه رفراندوم قرار دارد، اکثریت کرسی های مجلس رایه دست آورد. این در حالی است که حزب سوسیالیست اسپانیا در چهار سالی که حکومت کرده برخلاف وعده هایش عمل نموده است. در اکتبر ۱۹۸۲، حدود ۱۱ میلیون نفر با این امید به حزب گونزالس رای دادند که اسپانیا از ناتو خارج شود، بی کاری کام به کام کاهش یابد و ۸۰۰ هزار شغل جدید در عرض ۴ سال فراهم گردد. اما هیچ یک از این وعده های گونزالس تحقق نیافت. بی کاری به شدت گسترش یافت، و تصادف چنین خواسته است که دقیقاً ۸۰۰ هزار نفر بربشار بی کاران افزوده شود و تعداد آن ها طبق آمار رسمی به ۲ میلیون نفر برسد. اسپانیا با ۲۲ درصد

تشدید سرکوب، پاسخ رژیم اردن به اعتصاب دانشجویان

همان گونه که در شماره های پیشین "اکثریت" نیز گزارش دادیم، در ماه ها و هفته های اخیر رژیم ارتجاعی ملک حسین در اردن ترور و سرکوب نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیست این کشور را تشدید کرده است. این امر، بازتاب گسترش مبارزه و مقاومت اقشار

کوناگون مردم اردن در برابر سیاست های ضد خلقی رژیم است. آخرین نمونه رویارویی وسیع و علنی میان نیروهای مردمی و رژیم، اعتصاب ماه پیش دانشگاه بیرومک در شهر اربید واقع در شمال اردن و پیامدهای آن است. بقیه در صفحه ۱۰

"عصر جدید"

ترازوی جنگ ایران و عراق باید پایان یابد!

نسبی باتلاق ها شوند تا بتوانند با تانک از روی آن عبور کنند. "مقاله، به نقل از گزارش های خبرنگاران می افزاید، در حالیکه نیروهای عراق می کوشند با کشیدن آب، راه پیشروی خود را هموار نمایند، نیروهای جمهوری اسلامی نیز آب را از خلیج به داخل باتلاق ها پمپ می کنند. خبرنگاران به این ماجرا "جنگ پمپ ها" لقب داده اند.

مقاله "عصر جدید" سپس به جوانب اقتصادی موقعیت کنونی جنگ ایران و عراق می پردازد و می نویسد در شرایطی که مخرج جنگ از درآمد ملی ایران تجاوز کرده است، رژیم ایران می کوشد درآمدهای نفتی خود را هر چه بیشتر افزایش دهد. "عصر جدید" تاکید می کند روند شش ساله جنگ نشان داده است "هیچ یک از طرفین نسبت به دیگری از برتری اساسی برخوردار نیست. هیچ کدام هم مناطقی تصرف نکرده اند (به غیر از چند کیلومتر مربع باتلاق و شک زار و بیادریه شمال چند صخره و دره کوچک). و باز هیچ کدام نتوانسته اند سیاست دیگری را تغییر دهند. "مقاله، پیش بینی می کند که در این وضع، تغییر اساسی نیز داده بقیه در صفحه ۱۰

هفته نامه شوری "عصر جدید" در شماره ۲۰ خود مقاله مبسوطی درباره تحولات چند ماه اخیر جنگ ایران و عراق با عنوان "جنگی ویرانگر" به چاپ رسانده است. در این مقاله، با اشاره به نتایج عملیات "والفجر ۸ و ۹" و تصرف فاو، آمده است، "تصرف سرپل فاو، در بخش جنوبی جبهه فعلا به جنگی فرسایشی انجامیده است، که علت آن به ویژه شرایط طبیعی است. برای رسیدن به دماغه جنوبی شبه جزیره، یعنی راس البیشه، سه راه وجود دارد: در امتداد کرانه عراقی شط العرب، راه مستقیم از بصره و جاده ای از بندر ام القصر. این جاده ها روی خاکریزهای مرتفع واقع شده اند که در برخی مقاطع، تنها شالوده آن سنگ ریزه است. یک اتومبیل و باحتمال یک تانک که یک متر هم از جاده دور شود، در باتلاق نمکی فرو می رود. از این رو بستن هر سه جاده، کار بسیار ساده ای است. بنابراین این ایرانیا نمی توانند به دنبال فتح فاو به پیشروی خود در خاک عراق ادامه دهند، و عراقی ها نیز در حمله متقابل قادر به استفاده از تانک و یا حتی پیاده نظام موتوریزه نخواهند بود. آن ها باید منتظر تابستان و خشک شدن

مکزیک، میزبان جام جهانی فوتبال:

آئینه تمام نمای فلاکت و مصیبت سرمایه داری

زمانی که میگوئل دلامادرید، رئیس جمهور مکزیک، با ایراد سخنرانی در ورزشگاه پر خاطره "آزنک" مکزیکوسیتی، سیزدهمین جام جهانی فوتبال را افتتاح می کرد، سوت کشیدن های ممتد ده ها هزار تماشاچی مکزیکی، به میلیون ها بیننده که از طریق پخش مستقیم تلویزیونی مراسم گشایش مسابقات را دنبال می کردند، نشان داد مکزیک ۱۹۸۶، که سیزدهمین مسابقه جام جهانی فوتبال (کاپ موندیال) در آن برگزار می شود، با کشوری که در سال ۱۹۷۰ نیز میزبان نهمین دور مسابقات بود، تفاوت های بسیاری کرده است. اینک که مسابقات جام جهانی فوتبال به پایان خود نزدیک شده است، همه می دانند امید ای که دولت مکزیک و بورژوازی بزرگ این کشور به جام جهانی بسته بودند تا بتوانند فلاکت و مصائب گریبان گیر مردم را حتی برای چند هفته هم که شده، تحت الشعاع قرار دهند، بیهوده بوده است. جهان، تنها با "مکزیک خندان" مکزیک جام جهانی آشنا نشد. گزارشگران و دوربین های تلویزیونی، ویرانی های بیجا مانده از زلزله سال پیش، زاغه های اطراف مکزیکوسیتی، هوای مسموم و کشنده شهر که نتیجه رشدی معیوب و انکال واریدون در نظر گرفتن عواقب آن است، و بطور خلاصه، "آن سوی چهره" میزبان را نیز ثبت و مخایره کردند.

مکزیک، آئینه تمام نمای فلاکت و مصائبی است که رشد سرمایه داری برای کشورهای "جهان سوم" به همراه دارد. اقتصاد مکزیک عملا ورشکسته است. ارزش پزو، واحد پول این کشور، هر روز کمتر می شود و در حال حاضر از یک هزار دلار تجاوز نمی کند. تنها در هفته اول جام جهانی، پزو ۳۰ درصد ارزش خود را از دست داد. پیوسته سکه هایی با رقم بالاتر "پزو" ضرب می شود، در

زمانی که میگوئل دلامادرید، رئیس جمهور مکزیک، با ایراد سخنرانی در ورزشگاه پر خاطره "آزنک" مکزیکوسیتی، سیزدهمین جام جهانی فوتبال را افتتاح می کرد، سوت کشیدن های ممتد ده ها هزار تماشاچی مکزیکی، به میلیون ها بیننده که از طریق پخش مستقیم تلویزیونی مراسم گشایش مسابقات را دنبال می کردند، نشان داد مکزیک ۱۹۸۶، که سیزدهمین مسابقه جام جهانی فوتبال (کاپ موندیال) در آن برگزار می شود، با کشوری که در سال ۱۹۷۰ نیز میزبان نهمین دور مسابقات بود، تفاوت های بسیاری کرده است. اینک که مسابقات جام جهانی فوتبال به پایان خود نزدیک شده است، همه می دانند امید ای که دولت مکزیک و بورژوازی بزرگ این کشور به جام جهانی بسته بودند تا بتوانند فلاکت و مصائب گریبان گیر مردم را حتی برای چند هفته هم که شده، تحت الشعاع قرار دهند، بیهوده بوده است. جهان، تنها با "مکزیک خندان" مکزیک جام جهانی آشنا نشد. گزارشگران و دوربین های تلویزیونی، ویرانی های بیجا مانده از زلزله سال پیش، زاغه های اطراف مکزیکوسیتی، هوای مسموم و کشنده شهر که نتیجه رشدی معیوب و انکال واریدون در نظر گرفتن عواقب آن است، و بطور خلاصه، "آن سوی چهره" میزبان را نیز ثبت و مخایره کردند.

تبلیغاتی که حول جام جهانی به راه افتاده، رنگ و بوی غلیظ ناسیونالیستی و شوینیستی دارد. مثلا روزنامه ها با تیتیر درشت از قول هوگوسانچز، معروف ترین فوتبالیست تیم مکزیک، وعده "درو کردن" ساق پای این یا آن بازیکن تیم حریف را می دهند. هر قدر بتوان خشم و عصبانیت را که بحران، سیه روزی، بیکاری و فقر بدان دامن زده، در مجاری این چنینی هدایت کرد، به سود سرمایه است.

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراک نشریه "کار":	بهای اشتراک نشریه "اکثریت":
۱۱ مارك	۱۳ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۲۱ "	۲۴ "		

اروپا	دیگر نقاط	بهای اشتراک نشریه "اکثریت":	بهای اشتراک نشریه "کار":
۲۷ مارك	۳۰ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۲ "	۵۸ "	☐ يك ساله	☐ يك ساله
۱۰۲ "	۱۱۵ "		

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):

AKSARIYAT

NO. 112

MONDAY JUN 23, 86

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN

BAWAG

NR. 029 10701-650

DR. GERTRAUD ARTNER